

# تاسر کوب قطعی توطنه‌های امریکا، آماده‌باش باید برقرار باشد

**حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:**  
اگر در چارچوب قانون اساسی، گروه‌ها حاضر باشند فعالیت سالم سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند

عسر دیروز، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در یک مسأله مطبوعاتی در محل قالیار مطبوعات مجلس به پرسش‌های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد. از رئیس مجلس شورای اسلامی ایران پرسیده شد: «همانطور که اطلاع دارید، اخیراً دادستان انقلاب در آبادان و خرمشهر فعالیت سیاسی مجاهدین، فدائیان، حزب توده و گروه‌های دیگر را ممنوع اعلام کرده است. با توجه به اینکه از طرف مجلس هیچگونه قانونی در خصوص منع فعالیت احزاب و گروه‌ها تصویب نشده است، نظر شما بعنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در این مورد چیست و در رابطه با فعالیت گروه‌های سیاسی موجود مجلس چه تصمیمی را اتخاذ خواهد کرد؟»

حجت‌الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: «همانطوریکه قبلاً هم گفته‌ام اگر در چارچوب قانون اساسی، گروه‌ها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند... مسروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت از کارشان خواهد کرد.»

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: «تظنن شماست که ایران تنها کشوری است که در مورد گروه‌ها مقررات بین‌المللی را نقض کرده است، آیا این درست است؟» گفت: «خیر، ایران نقض نکرده است، بلکه این آمریکا است که مقررات بین‌المللی را نقض کرده است. ایران در مقابل آنهمه ظلم که از طرف آمریکا دیده است یک‌مکن‌العمل کوچک انجام داده است.»

## ضد انقلاب در عمل

یک کارنامه سیاه و سرآپا تبهکاری

صفحه ۳ و ۶

## صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به کارگران چاپ تبریک می‌گوئیم

کارگران انقلابی و آگاه صنعت چاپ تحریکات ضدانقلاب را برای ایجاد تشنج و درگیری خنثی کردند

صفحه ۷

توطئه بخشی از نقشه گسترده‌تری است که امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن طرح‌ریزی کرده، اجرای آنرا تدارک دیده و مراحلی از آنرا (البته با ناکامی و شکست مفتضحانه) آزموده است. در این نقشه تجاوزکارانه منطقه وسیعی، از مرزهای جمهوری اسلامی ایران با ترکیه گرفته، تا غرب و جنوب غرب (مرزهای عراق) جنوب (سواحل خلیج فارس) و جنوب شرق (مرز پاکستان) در نظر گرفته شده است.

چندی پیش (اواسط تیر ماه) رسانه‌های گروهی خریدارند که آمریکا حمایت دولت ترکیه را برای اقدامات احتمالی خود و یا گروه‌های وابسته (آدمکشان ضدانقلابی) علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کرده است. این امر به دنبال مسافرت پی در پی معاونین وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا به ترکیه صورت گرفت، و در مقابل تعهد افزایش کمک نظامی

«ستاد عملیات مشترک غرب کشور» آماده‌باش داده است. این آماده‌باش، که پس‌ازماها تجاوزات محلی پی در پی نیروهای رژیم بعثی عراق، تحریکات دامنه‌دار و عملیات تخریبی آنها در منطقه غرب و جنوب غربی ایران، تمرکز نیروهای عراقی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران، و در پی پرواز مکرر هواپیماهای عراق در آسمان غرب کشور داده شده است، کمال‌اهمیت را داراست.

اکنون مدت درازی است که رژیم بعثی عراق آن سرزمین را بیکی از کانونهای توطئه مداوم ضدانقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل کرده است.

دامنه این توطئه، تحریکات و خرابکاریها تنها به منطقه کردستان و خوزستان محدود نشود. این

**نامه**

**مردم**

**ارگان مرکزی حزب توده ایران**

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۷  
سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ ریال

# محدود ساختن فعالیت سازمانهای انقلابی بسود

## انقلاب نیست

زمینه‌سازی امپریالیسم در همه عرصه‌ها هستیم؛ در عرصه اقتصادی، دست تبهکار امپریالیسم از آستین سرمایه‌داران وابسته و فئودالها و مدیران طاغوتی بدرآمده، گداز هیچگونه اخلاق و خرابکاری در صنایع و بازرگانی و کشاورزی ما دریغ نداشته‌اند. در عرصه نظامی دو توطئه «سیاه» رابضختم نهادیم و در آستانه پیاده‌شدن سوئین توطئه هستیم. و در عرصه سیاسی شاهد آنیم که چگونه در دورانی که اتحاد نیروها بیش‌از هر وقت ضرورت عینی یافته، دستهایی در کارند تا جو اختلاف و تشنج را غلیظ کنند و با ایجاد درگیری میان سازمانهای مختلف سیاسی، فضای همگامی و همیاری را به خصومت و کین‌توزی بدل نمایند.

و جنبش ضدامپریالیستی مبین ما، می‌آموزد که، امپریالیسم در تدارک توطئه‌های خود علیه نظامهای مرفه‌تر و نیازمند زمینه‌سازی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است. بی این زمینه‌سازیها، امپریالیسم شانس پیروزی ندارد. از اینجاست است که هم با خرابکاریهای خود و عمل خود اقتصاد کشور مورد نظر را تخریب میکند، هم تدارک نظامی می‌بیند، هم زمینه سیاسی را فراهم میسازد. امپریالیسم زمینه سیاسی علیه انقلابهای ضدامپریالیستی را به‌شودم‌های گوناگون آماده میکند، که کارآترین آن همه‌افکنند برآتن اختلافات، ایجاد جو تشنج و محدود ساختن فعالیت آن گروه‌ها و سازمان‌هایی است که با امپریالیسم‌سازش - ناپذیر و پشتیبانان سرسخت انقلابیهای ضدامپریالیستی کشورخویشند. ما در کشور خود، گواه زنده

توان انقلابی مردم زمانی خواهد توانست تجلی عینی یابد، که مردم تجویز شوند، و تجویز مردم به آن مناسبت‌گردد، برای سرکوب توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب، همه مردم انقلابی، صرف‌نظر از تعلق‌شان به‌این یا آن سازمان سیاسی، به این یا آن مکتب و جهان‌بینی بسج شوند و زیر مبرم‌ترین شمار روز، درست‌گر واحد و علیه دشمن واحد، عنان بر عنان به‌پیش روند. برای آنکه بتوان در سرکوب دشمن از نیروهای صادق انقلابی بحدکمال سود برد، باید به این نیروها در فعالیت سیاسی‌شان آزادی عمل داد. باید بند و زنجیر از دست و پا و زبانشان گشود، تا تمامی قدرت تشکل و سازماندهی و افتخاری‌شان را به منصف ظهور آورند، و نه آنکه بردست‌وپاویان‌شان بندنهاد و عرصه فعالیتشان را تنگ و تنگ‌ساخت، که این برترودید خواست‌شد انقلاب است و خدمت به انقلاب نیست. تجربه سایر کشورها و کشورما، تجربه سایر جنبشهای ضدامپریالیستی

امپریالیسم آمریکا از همان آغاز پیروزی انقلاب، در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع خصمانه گرفت، با همه تدارکات جنگی‌اش در اقیانوس هند و خلیج فارس، با متحدان غربی و خیل کشورهای دست‌نشانده‌اش در منطقه، با مزدوران ایرانی‌اش در عراق، مصر، پاکستان و ... با جاسوسان گوش‌بفرمان در بندیند دستگاه دولتی و ارتش، با شبکه ساواکیهای سازمان‌یافته‌اش به پهنای کشور. برای مقابله با این دشمن کین‌جو، قس و درنده‌خو، انقلاب ایران نیز باید به تحکیم مواضع خود متقابلاً همت‌گمارد و صفوف انقلاب را در برابر امپریالیسم آمریکایک ضدانقلاب دست‌پروده‌اش، خاراکین سازد و آرایش زرمی دهد. تردید نیست که ذخایر عظیمی‌از توان انقلابی در مردم وجود دارد، که باید از آن برای مقابله با دشمن مدد گرفت و آنرا در خدمت دفع امپریالیسم و تثبیت و تحکیم انقلاب گماشت.

بقیه در صفحه ۸

نیست. برای يك لحظه تصور کنید که، مملتان سر کلاس نروند، هنرمندان کارخانه را ترک کنند، پزشکان دست‌از انجام وظیفه خود بردارند و... پس‌از آن دیگر چرخه‌ی جامعه همه از حرکت باز خواهدماند. هر قدر جامعه بسوی ترقی پیش برود، نقش این توده عظیم روشنفکر در اداره امور مختلف جامعه بیشتر خواهد شد. این يك طرف مسئله است که باید به اهمیت نقش روشنفکران واقف بود.

طرف دیگر مسئله آنست که بخش اعظم همین توده روشنفکر، که در میان دو گروه اول و دوم جای دارد، نیز نظام جا و اندیشه‌های انقلابی آنرا بسادگی نمی‌پذیرد. انقلاب در ظرف چند ساعت نظام شاهنشاهی را به‌نظام جمهوری اسلامی تبدیل کرد، اما نه در ظرف چند ساعت بلکه در ظرف چندین سالین نمیتوان اندیشه‌های انقلابی را در مغز این روشنفکران جای داد. تغییر معتقدات، جهان‌بینی و داناتیهای چنین روشنفکرانی بسادگی ممکن نیست. کوشش برای ایجاد این تغییر از بقیه در صفحه ۸

## معیار پاکسازی

سختان آیت‌الله‌العظمی منتظری در مصاحبه با خبرنگار خبر-گزارای پارس، که متن آنرا روزنامه‌ها (اول شهریور ۵۹) منتشر کردند، حاوی نکات بسیار جالب و مهمی است، بخصوص که ایشان این مسائل را پس از ملاقات با امام خمینی و با موافقت ایشان اظهار داشته‌اند.

آیت‌الله منتظری در این مصاحبه مسئله‌ای را مطرح میکند که در هر انقلاب اصیلی یکی از مهم‌ترین مسائل است: با روشنفکرانی که از رژیم سابق بجای میمانند، چه باید کرد؟

در نظام شاهنشاهی طبقات حاکم میکوشیدند، روشنفکران را طبق «قالب» دلخواه خودشان تربیت کنند، ایندولوری خودشان را به آن‌تربیت نمایند و آنانرا بخدمت‌خود بگمارند، و بهمین دلیل نیز به آنان که تسلیم میشدند، حقوقهای گزاف می‌پرداختند، تا آنان را «راضی» نگاه دارند. بدینوسیله است که آنان اسباب این «رضایت» را از جیب زحمتکشان فراهم می‌کردند.

ولی می‌دانیم که روشنفکران قشر

یکدستی نیستند. روشنفکرانی هستند چون هویدا و آمرزگر و شریف‌امامی و... که از کلاس‌گزاران مستقیم رژیم گذشته‌اند و شریک جرم تمام‌جانیات آن. روشنفکران دیگری هستند چون ارانی، ابراهیمی، گل‌سرخ‌یو... که سرسختانه یا دریم دست‌نشانده‌های مبارزه کرده و برخی در این مبارزه جان خود را فدا کرده‌اند. اما توده روشنفکران، نه از گروه اولند و نه از گروه دوم.

برخورد انقلاب با هر يك از دو گروه بالا روشن است: گروه اول را طرد میکند و بر-حسب میزان جرمی که مرتکب شده‌اند، آنان را مجازات میکند، عطایشان را به لاقیشان می‌بخشد و هر قدر هم متخصص و عالم «برجسته» باشند، آنانرا از صحنه زندگی اجتماعی میراند. در بین این گروه عالم حقیقی نیز بندرت دیده میشود

## ملاقات اشرف و بختیار در پاریس

پلیس فرانسه فعالیت ضد انقلابیون فراری ایران را زیر حمایت خود گرفته است دولت ایران برای مقابله با روش دولت فرانسه چه اقدامی کرده است؟

اینکه فزاینده یکی از کانون‌های تجمع ضد انقلابیون فراری ایران ت، بر همه روشن است. آخرین خبری که در این زمینه بدست زده‌ایم، در مورد ملاقات اشرف بختیار در تاریخ ۲۵ مرداد ۵۹ در پاریس است. این ملاقات در محل اقامت بختیار و زیر حمایت پلیس نسه انجام گرفته است. و اینهم تازگی ندارد. دولت و پلیس فرانسه، تهاست که فعالیت ضدانقلابیون فراری ایران را آشکار و پنهان زیر ایت خود گرفته‌اند.

آنچه روشن نیست و لذا مورد پرسش است، اینست که: دولت وزارت امورخارجه ایران در برابر روش دولت و پلیس فرانسه در حمایت ضد انقلابیون فراری ایران چه اقدامی کرده‌اند؟

**نامه سرگشاده - هیئت مؤسس انجمن سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان - به وزارت محترم کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران**

صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به کارگران چاپ تبریک می گوئیم

همچنانکه در شماره دیروز نامه «مردم» نسبت به آگاهی کارگران صنعت چاپ در تفریق صحیح مبارزات صنفی خود با ضرورتهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ابراز اعتماد کردیم، بامسرت خاطر نشان می-سازیم که کارگران آگاه موفق شدند مشکلی را که می توانست مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد یا خونریزی و پدروستی حل کنند، کارگران صنعت چاپ با توجه به جو موجود و اینکه ضدانقلاب در کمین بهره برداری از طرح تقاضاهای قانونی و بحق آنان نشسته و هم چنین در نظر گرفتن این امر که وزارت کشور جمهوری اسلامی راهپیمایی آنان را جایز ندانسته بود از برهائی راهپیمایی خودداری کردند.

توضیحاتی که اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپخانه های تهران و حومه، که يك سندیکای قدیمی است و متجاوز از ۱۵ سال سابقه فعالیت دارد، به اجتماع کنندگان برای برپائی تظاهرات و راهپیمایی دادند توضیحاتی بسیار مستدل و قانع کننده بود. پایه این توضیحات را این اصل مسلم قرار می داد که کارگران مهترین و نیرومندترین قدرت سدایع انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی هستند و کاملاً آگاهی دارند، که انتخاب شیوه مبارزات صنفی آنان امریست، که باید در ارتباط با موقع زمانی و مکانی و تناسب نیرو بین انقلاب و ضدانقلاب صورت گیرد. زمانی که ضدانقلاب در کمین نشسته تا تظاهرات کارگران را بهانه ایجاد هرج و مرج و آشوب ضدانقلابی قرار دهد، مسلماً کارگران ولو در سخت ترین شرایط قبول صبر و تحمل انقلابی را بر دستزدن به اقدامات حادی که می تواند مورد استفاده دشمن قرارگیرد ترجیح میدهند. گذشته از استدلال منطقی اعضاء هیئت مدیره، که بدرستی متذکر شدند در شرایط کنونی برای تامین خواسته های صنفی کارگران باید شیوه مذاکره و توجه دادن مقامهای مسئول جمهوری به وضع سخت و طاقت فرسای خود را در پیش گیرند، چو قبول این نظریات از طرف کارگران صنعت چاپ قابل تحسین و توجه است. این جو که دیروز عصر در اجتماع کارگران حاکم بود، نشانه سطح بالای آگاهی درمیان آنان است. باوجود چنین آگاهی درمیان کارگران میتوان از ایفای نقش واقعی طبقه کارگر ایران در جریان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی با اطمینان سخن گفت.

ضمن ابراز مسرت از آگاهی قابل تحسین کارگران صنعت چاپ که با خودداری از انجام راهپیمایی و اکتفا به تجمع خود در خانه کارگر و ترات قلع نامه تنظیمی در همان جا (متن قلع نامه عینا نقل میشود) از وقوع توطئه مسمی جلوگیری کردند، بیجاست شکست تعدادی قلیل توطئه گران «رنجبری» را متذکر شویم. اینان که با علم و کتل آماده بقصد تحریک پهمحل تجمع کارگران آمده بودند، بر اثر تصمیم صحیح و منطقی کارگران با دست خالی بازگشتند.

در خاتمه بیجاست یادآور شویم، همانگونه که کارگران آگاه صنعت چاپ با ابراز صبر و تحمل انقلابی مقامات جمهوری اسلامی را در حفظ آرامش در روزهای بسیار بحرانی، که ضدانقلاب از خارج و داخل مشغول توطئه است یاری دادند، آنان نیز بنوبه خود نباید از حل مشکلات کارگران و قبول تقاضاهای بحق آنان خودداری نمایند.

خواستهای که کارگران صنعت چاپ در قلع نامه خود طرح کرده اند علاوه خواسته های است که از جانب همه کارگران طرح شده. پذیرش و اجرای این خواسته از جانب دولت جمهوری اسلامی و وزارت کار برای همه کارگران است.

ما امیدواریم، همانطور که در قلع نامه کارگران خواسته شده پذیرش تقاضاهای آنان به اسرع وقت صورت گیرد تا بدینوسیله هم موجبی برای تجمع مجدد کارگران پس از دو هفته دیگر در بین نباشد و هم دیگر سازمانهای کارگری توجه یابند که در شرایط حاضر می توانند با تکیه بر شیوه های مسالمت جویانه و مذاکره خواسته های قانونی و بحق خود را تحقق بخشند.

کارگران فرصت خوبی در اختیار مقامات جمهوری اسلامی گذاشته و به تمام معنی حسن نیت خود را ابراز داشته اند. اینک نوبت مقامات مسئول جمهوری اسلامی است که با همین حسن نیت به استقبال خواسته های کارگران بروند.

## سندیکای کارگران چاپخانه های تهران و حومه بنام خدا - قطعنامه راهپیمایی کارگران صنعت چاپ

با قیام شکوهمند ملت فیور ایران و برانداختن سلطه رژیم وابسته به امپریالیزم شاه خائن و ایجاد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی، ما کارگران انتظار بیشتری از ارگانهای مملکتی داشته و خواهان این بوده و هستیم، که هیچیک از ارگانها یا افراد تصمیم خودسرانه ای برای ما اتخاذ نمایند و امور ما کارگران را بخودمان واگذارند، و هرگونه تصمیم گیری بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران را از پیش محکوم میکنیم، چونکه تصمیمات یکطرفه، غلط بوده و مانند همین قانون لئو سودویزه که بنفع سرمایه داران بوده و موجب افزایش نارضایتی در جامعه گشته و نهایتاً پسود امپریالیسم تمام میشود.

لذا ما کارگران خواستاریم که:

- ۱- ما خواهان لغو قانون جدید سود ریزه که به نفع سرمایه داران استثمارگر، می باشد، و پرداخت آن بر مبنای آخرین دستنزد (پیمانهای دسته جمعی) تا تصمیم مجددی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ شود، می باشیم.
- ۲- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران، می باشیم.
- ۳- ما کارگران خواهان بازگشت کل کارگران بیکار بسر کار خود و جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران، می باشیم.

در پایان اعلام میداریم که وزارت کار طی پانزده روز آینده از ۱۳۶۹۰۹ لغایت ۱۳۶۹۰۱۸ اگر به خواسته های بر حق و مسلم ما کارگران پاسخ مثبت ندهد، ما کارگران از روز ۱۳۶۹۰۱۹ با تجمع خود در وزارت کار خواهان جواب کلمی خواهیم بود.

رونوشت: دفتر امام - ریاست جمهوری - نخست وزیر - مجلس شورای اسلامی - وزارت کشور - وزارت کار و مطبوعات

# معلم مبارز و متعهد نظر آباد هشتگرد را آزاد کنید!

زندانیهای انقلاب محل نگاهداری توطئه گران و جاسوسان امپریالیسم آمریکاست نه جای انقلابیون چندی است که آقای محمدقلی بناهی وحدت، یکی از دبیران انقلابی و متعهد نظر آباد هشتگرد، به اتهامات راهی و بنابه تحریکات افرادی مشکوک توسط سپاه پاسداران کرج بازداشت شده است. وی جزو معلمان مبارزی است که در زمان رژیم شاه سابق همواره در مبارزه با ظلم و فساد آن بود و حتی چندبار نیز به این خاطر به زندان افتاد.

دستگیری این دبیر زحمتکش با تحریکات مستقیم و غیرمستقیم افرادی به نامهای بکتاش و غلامی صورت گرفته است. بکتاش فردی است که در زمان رژیم شاه سابق بعنوان عضو انجمن شهرستان و مسئول برگزاری جشن پنجاه ساله سلطنت، با آن رژیم همکاری می کرده است و پس از انقلاب نیز تمام کوشش خود را برای کوبیدن نیروهای ترقی و انقلابی و ایجاد تفرقه در بین گروهها قرار داده است. او با انتشار نشریه ای بنام «روشنگر»، که برعکس نامش نه تنها به تبلیغ افکار انقلابی در بین مردم نمی پردازد، بلکه با فحاشی به نیروهای انقلابی و درستان انقلاب، در درون کشور و در سطح جهان راد پخش گرفته است، مسموم کردن اذهان مردم و ایجاد انحراف در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب را وظیفه خود قرار داده است.

بر اثر انتشار اسنادی که نشاندهنده فعالیت بکتاش در انجمن شهر و حزب رستاخیز بوده است، دانش آموزان مدارس شهر متوجه ماهیت این فرد شده اند و در چند مورد حتی از سخنرانیهای وی جلوگیری کرده اند. این فرد با نفوذی که در اداره آموزش و پرورش هشتگرد و نیز در بعضی از کمیته ها و سپاه پاسداران کرج دارد، حتی سعی زیادی کرد تا محمد قلی وحدت را از وزارت آموزش و پرورش تصفیه کند.

گروهکهای چپ نما مانند همکاران در این شهر نیز در ایجاد جو تشنج و نفاق درمیان نیروهای مختلف مشغول بوده و هستند و این مسئله باعث شده است که افرادی مانند بکتاش بهانه های لازم را برای تصفیه افراد انقلابی بدست آورند و آنها را به اتهام «وابستگی» به این گروهکها مورد حمله و افترا قرار دهند. از جمله بدنبال اعدام قلی شهرام، این گروهکها دست به تظاهرات و ایجاد هرج و مرج در شهر میزنند و این عمل آنان که منجر به درگیری شدیدی می شود، بهانه لازم را برای تبلیغات علیه نیروها و افراد انقلابی بدست افراد معلوم الحال می دهد.

در جریان این درگیری ها، فردی بنام غلامی، که از نزدیکان بکتاش است با استفاده از اوضاع متشنج، مردم را تحریک می کند و کاغذ سفیدی را برای امضاء در جهت تصفیه و محاکمه افرادی مانند وحدت به آنان عرضه می دارد. وی سپس روی این کاغذ سفید متنی را به دلخواه خود مینویسد و بر شرکت وحدت (که در آن زمان اسلا در نظر آباد نبود) بعنوان عامل اصلی درگیری، تنظیم و تقاضای بازداشت وی را می کند و این نامه را به سپاه پاسداران کرج می فرستد. بدنبال بازداشت وی توسط سپاه پاسداران کرج، همسر آقای وحدت شکایتماهی از بکتاش و دارودسته اش به کمیته عظیمه ارائه می دهد و این نامه را توطئه ای علیه همسرش معرفی می کند. مسئولین کمیته پس از بررسی این مدارک حتی دستور بازداشت بکتاش را میدهند، ولی بعلمت نفوذی که بکتاش در این ارگانها دارد، بازداشت وی انجام نمیگیرد.

بدنبال بازداشت آقای وحدت، رئیس آموزش و پرورش هشتگرد در طی سخنرانی در مسجدی در شهر، به بازداشت وی اعتراض کرده است. بعد از این سخنرانی عده ای از کسانی که کاغذ سفید را امضاء کرده بودند، از عمل خود پشیمان شدند و اعلام کردند که وحدت در آن درگیری هیچگونه نقشی نداشته است.

با اینکه اکنون ۲۸ روز از بازداشت این معلم مبارز و متعهد می گذرد و بر طبق مدارک و اسناد موجود بیکناهی وی کاملاً روشن و مسلم است. ولی روی هنوز، ر زندان به می برد، و در عوض کسانی که می بایست در زندان باشند، آزاد هستند و به تبلیغات انحرافی و ضدانقلابی خود ادامه میدهند. ما از مقامات مسئول، بخصوص مسئولین سپاه پاسداران کرج میخواهیم که این معلم مبارز را هر چه زودتر آزاد کنند و زندانیهای جمهوری اسلامی ایران را به نگاهداری توطئه گران و ایادی سرسربیده امپریالیسم آمریکا، اختصاص دهند، نه محل نگاهداری مومنین و متعهدین به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران.

## نامه سرگشاده - هیئت مؤسس انجمن سندیکاهای نمایندگان کارگران استان کرمان به - وزارت محترم کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

احتراماً بااستحضار میرساند، سخنان وزیر محترم کار در مورد سندیکاهای در برنامه تلویزیونی جمعه شب مورخ ۰۹/۰۳/۵۹ مایه بسی تعجب و تاسف ما کارگران گردیده است. ما در موارد ذیل نظریات رسمی خود را اعلام فرمائید:

- ۱- تقیناً وزارت محترم کار و امور اجتماعی در مقام یک دستگاه اجرائی متعهد و مسئول به حرمت و اعتبار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که خوبهای صدها هزار شهید و مصدوم و حاصل چندین دهسال مجاهدت و فداکاری پیدریغ ملت ماست، واقف و ناظر است. و قطعاً باین اصل مسلم عنایت دارند که سایر قوانین و از جمله قانون کار هر گز نمیتواند بدون توجه باصول قانون اساسی و خارج از حدود و نفور آن تدوین شود یا نافی و ناقض اصول قانون اساسی باشد. و مطمئناً استحضار دارند که اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل انجمنهای صنفی (و طبقاً اصل نهمین و پرسیاقه ترین آن «سندیکاهای» را حق مسلم و بی چون و چرای کارگران میداند و آنرا جزئی از حقوق مردم شمرده است. و بازمه میدانیم که هیچ مقامی جز مجالس مقننه اهلیت و صلاحیت آنرا ندارد که قوانین را تفسیر، توجیه، و یا تصحیح نماید. با توجه به مراتب فوق و با عطف به اصل هفتاد و سوم قانون اساسی، که میگوید «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است»، این سخنان وزیر محترم کار را که گفته اند: «من گمان میکنم با وجود این تئورهای دیگر احتیاجی بوجود سندیکا نباشد» را چگونه توجیه میکنید؟
- آیا این نظریات شخصی و سلیقه های فردی یا جمعی میتواند جایگزین نص صریح قانون و آنچه اصول قانون اساسی گردد؟
- آیا وزارت کار در مقام یک ارگان اجرائی مجاز است بنابه سلیقه و عقیده خویش قانون اساسی را تفسیر، توجیه و یا تصحیح نماید؟
- اصل بیست و ششم قانون اساسی تشکیل انجمنهای صنفی را حق مسلم کارگران شناخته، هرگونه اقدامیکه در جهت تحدید یا تضییع این حق مسلم کارگران بعمل آید، مورد اعتراض شدید ما است.
- همچنانکه استحضار دارید در دیماه سال گذشته اداره کل کار کرمان کتبا و رسماً از کلیه سندیکاهای نمایندگان کارگران دعوت بعمل آورده بود، تا نسبت به تدوین قانون جدید کار اظهار نظر کنند، باین مناسبت در جلسه مورخ ۰۲۸/۰۱/۵۸ در اداره کل کار کرمان، با شرکت ۱۴ سندیکا و نمایندگان ۱۱ واحد کارگری و با حضور نماینده امرای وزارت کار جمهوری اسلامی ایران و مدیرکل اداره کار کرمان، قطعنامه ای در ۲۹ صفحه و ۲۰ مورد با اتفاق آراء تصویب رسید، که عین آن در همان تاریخ از طریق اداره کار و هم بوسیله خود ما بوزارت کار تسلیم شد (رونوشت ضمیمه است).
- در سر آغاز این قطعنامه «تقویت و تحکیم و توسعه حقوق سندیکاهای مورد تقاضا بوده و اولین ماده قطعنامه را شامل است. دفتر مطالعات و طرح برنامه وزارت کار در پاسخ باین قطعنامه طی نامه شماره ۰۵۸۵/۹ مورخ ۰۴/۰۱/۵۸ نوشته اند:

سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان! ضمن وصول قطعنامه مورخ ۰۲۸/۰۱/۵۸ کارگران استان کرمان، که متضمن اظهار نظر در مورد قانون کار فعلی و پیشنهادات کارگران کرمان بوده است، باطلاع میرساند: نظرات جالب و پیشنهادات ارزنده شما در اختیار کمیته های تدوین طرح قانون کار گذاشته شده و مسلماً به آن توجه دقیق خواهد شد و در تدوین طرح قانون حقوق حقه کارگران در نظر گرفته خواهد شد... این کمیته از همکاری و همفکری برادران کارگر استان کرمان بگرمی استقبال میکند... از مساعدت و همکاری سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان تشکر مینماید.

دفتر مطالعات طرح برنامه وزارت کار

آیا اظهارات جناب آقای نعمت زاده، بعنوان وزیر کار در تلویزیون، با این پاسخ رسمی و کتبی وزارت کار، که در بالا به آن اشاره شده،

هیئت مؤسس انجمن سندیکاهای و نمایندگان کارگران استان کرمان

سندیکای مجتمع صن سرچشمه  
سندیکای معادن آسفندقه و آبدشت  
سندیکای شرکت ملی نفت ناحیه کرمان  
سندیکای سازمان آب کرمان  
سندیکای کارگران کوی ذوب آهن کرمان  
سندیکای کارگران گلرخانه قند بردسیر  
سندیکای کارگران پیسی کولای کرمان  
سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان  
سندیکای آب و برق منطقه ای کرمان  
نماینده کارگران برق منطقه ای رفسنجان  
نماینده کارگران سرداری رفسنجان  
نماینده کارگران آجرماشینی «  
نماینده کارگران کارخانه خانه سازی کرمان  
نماینده کارگران شهرداری بردسیر  
نماینده کارگران برق منطقه ای سیرجان  
نماینده کارگران شهرداری سیرجان  
نماینده کارگران صنایع فولاد  
نماینده کارگران کرمان درمان  
نماینده کارگران آبیاری چیرفت  
نماینده کارگران شهرداری چیرفت  
نماینده کارگران شرکت مخابرات رفسنجان  
نماینده کارگران شرکت خوراک کرمان

# ضد انقلاب در عمل

## هر که نامت از گذشت روزگار هیچ ناموزده زهیج آموزگار یک کارنامه سیاه و سرا پا تبهکاری

همیشه بازگشتن و به حوادث طی سده نگرستن، عبرت آموز است. رویدادها زود فراموش می‌شوند. بیوند درونی آنها به آسانی در ذهن شخص کشف نمی‌گردد. ولی هنگامی که، بر پایه اسناد و مدارک، وقایع رخ داده را یک بار دیگر از نظرمی گذرانید، چیزهایی بر ملا می‌سود که در حال عادی روشن نیست.

ما اینروزها که ضدانقلاب در تدارک نقشه‌های براندازی تازه‌ایست، کارنامه او را طی سالهای ۵۸ و نیمه اول ۵۹ ورق زدیم. از این بررسی مجدد دو نتیجه گرفتیم:

اول - ضدانقلاب در هیچ عرصه‌ای، اعم از سیاست و اقتصاد و زندگی روزمره نیست که، گاه با سیمای دوست و گاه با سیمای دشمن، منتهای کوشش خود را برای مسخ کردن، خورد کردن، بدنام کردن و دچار خصمه کردن انقلاب انجام نداده باشد، با این هدف کلی که، انقلاب را دفن کند و رهبری آنرا نابود سازد و دوستان وفادار انقلاب را قتل عام نماید و سطره و دوزخی غارنگرانه خود را بار دیگر بر میهن ما استوار سازد.

دوم - ضدانقلاب تاکنون در تمام انواع اقدامات خود به توفیق چشم‌گیری نرسیده است و در اثر واکنش مردم و نهادهای انقلابی و تصمیمات درست رژیم انقلابی و درایت و قاطعیت رهبر انقلاب، امام خمینی، اقدامات ضدانقلاب خنثی مانده است. البته این بدان معنی نیست که ضدانقلاب نتوانسته است سیر کامیابانه انقلاب را کند کند و در اذهان ساده لوح و روحیات مستعد تحریک، ناخرسندیهایی بوجود آورد.

سوم است که در آینده ضدانقلاب با همان حرارت گذشته تلاش خود را ادامه خواهد داد. گارت به زیسگاردستن گفته است که آمریکا قصد ندارد از ایران دست بردارد. ضدانقلاب هنوز در کشور ما دارای "نیروهای ذخیره" گوناگونی است، که از آنها استفاده خواهد کرد. ولی گذشته نشان داد که کار ضدانقلاب آسان نیست و در جهان و ایران عوامل فراوانی هستند که می‌توانند به تنبیت انقلابی در کشور ما یاری رسانند و ضدانقلاب را با شکست روبه‌رو سازند.

با توجه به حوادث دوران پس از انقلاب، ببینیم دشمن امپریالیستی و متحدان ارتجاعی و ضدانقلابی ایرانی آن، دست به چه کارهایی زده و نمره و تقلای ابلیسانه و جهنمی آن چه بوده است:

۱) ایالات متحده آمریکا، دشمن اصلی و واقعی انقلاب ما، از همان آغاز با تمام نیرو برای محو این انقلاب وارد میدان دسیسه و عمل شده است. "کمیسون ایران" در کاخ سفید تحت نظر شخص گارت و معاون امنیتش برزیسکی تشکیل شد و نقشه‌های دراز مدت و کوتاه مدت ضدانقلابی در این کمیسون به تصویب رسیده و می‌رسد.

امریکا بخشی برنامه رادیویی خود را علیه ایران تمولانی کرد و با ایجاد هسته ضدانقلابی ایرانی مرکب از بختیار اوسی - آریانا و بالیزیان (در ارتباط با خانواده بهلولی، بویزه اشرف) و قراردادن تسهیلات عدیده رادیویی و مطبوعاتی در اختیار آنها، کوسید تا یک ستاد دائمی ضدانقلابی بوجود آورد.

امریکا "محاصره اقتصادی ایران" را اعلام داشت و به متحدین امپریالیستی خود فشار آورد که به این محاصره بپیوندند و آنها نیز در "کنفرانس جامعه اروپائی" بیوستن خود را به این سیاست ددمنسانه اعلام داشتند. با آنکه امریکا به روال سالوسه و عوام فریبی همسنگی خود گفت که گویا محاصره اقتصادی او حوارباری و دوا را در بر نمی‌گیرد، ولی درست همین نارمندی هاست که مورد غرض اصلی است. امریکا کوسید اصل محاصره اقتصادی را به نوبت سورای امنیت برساند که با وتوی اتحاد شوروی روبه‌رو کردید.

امریکا باوگان دریائی عطیبی را که مرکب از ۳۴ کسبی جنگی و چندین هزار سار و برک و هزارها فنکدار دریائی و سه ناو هواپیمابر، یعنی "کاسل لس" و "تی‌میز" و "گورال سی" است، و صدها هواپیمای درآنها جای می‌گیرد، در دریای عمان و مجاورت کرانه‌های ایران متمرکز ساخت و سیاست سامان نظامی دائمی را در پس گرفت.

عملیات موسوم به "نورانی" در طس، که به نکت رسوا منحرسد، بوظئه وسیع سانگاه بوره در همدان، که در آن دوساچه نظامی و سیاسی در ارتباط با سبورحسار و اوسی فعال بودند، بوظئه جدیدی به نام "جهس مسد ۸۵"، که رورنامه‌نگار امریکائی خاک اندرس در مطبوعات امریکا افشا کرده و علی‌رغم نکده‌های کاخ سفید (که اس نکده‌های بوحالی سکرد دائمی آنها است) وجود آنرا ناند مسلم گرفت. ارمظاهر این سامان دانسی است. امریکا ایرانیان و بویزه داسجوان مبارز ایرانی مقیم امریکا را مورد تارها، آزارها تار داده و تاسی‌های مسالمت‌آسبر داسجوان ایرانی را ناوحسگری خاص خود سـرکوب کرده و

روابط سیاسی خود را با ایران قطع نموده و متحدین خود انگلستان، فرانسه و ایالتی را نیز به ایجاد اسکالاب در دادن روایدیها و محدود کردن روابط خود با ایران واداسه است.

چنانکه یک مقام نظامی کورما زمانی اعلام داشت که امریکا در ایران دارای تعدادی انبارهای اسلحه و فرودگاههای مخفی است و سکه‌های ضدانقلابی مرکب از نظامیان و ساواکیها و سرمایه داران وابسه در سهران و سهرسانها تحت نظر عمال اعزام شده از طرف "سیا" مسول فعالیتند و ماموریت آنها بوظئه اسلاب از طریق تظاهرات منفی به نام اسلام و ایجاد بفرقه بین مسلمانان مبارز از سوسی و بیروهای جب از سوسی دیگر، از طریق تظاهرات ضدانقلابی به نام "جب" است، یعنی همان چیزی که امام آنرا "حب امریکائی" نام نهاده است.

امریکا تحت عنوان آزاد کردن "گروگانها"، که در واقع برخی از آنها از زمره جاسوسان آزموده سیا در ایران بوده‌اند، جنجال بین‌المللی سروسو صدای عجبی در جهان و مطبوعات سرمایه‌داری علیه انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی براه انداخت و با اعزام انواع هیئت‌ها و ارسال اقسام نامه‌های دروغین (مانند نامه‌گارت و نامه‌کندی) و با "جنگولک بازیهای" خاص خود سعی دارد ایران را تحت فشار قرار دهد.

موسسات جاسوسی امپریالیستی بویزه امریکا، انگلستان و اسرائیل شبکه وسیعی در بوسنس سفارتخانه‌ها، خبرنگاران، سرکنها و بنگاههای مالی و خدماتی و بازرگانی و صنعتی، میسیون‌های مذهبی، آموزشگاههای مختلف و غیره بوجود آورده بودند. اشغال جاسوخانه آمریکائی نشان داد، آنچه که "سفارت" نام داشت، چگونه یک کارخانه واقعی و تمام عمار خبرچینی و جاسوسی و توطئه بود. این موسسات در همکاری با "ساواک" و "کوک" و انواع موسسات بظاهر ایرانی استتالده‌های اختیوسی خود را تا اعماق خانواده‌ها، در روستاها و عشایر رخنه داده بودند و واقعا می‌توانستند مدعی شوند که:

گربرسخاساک یکی بنه بچند جنبیدن آن بنه عیان در نظر ماست رژیم بهلولی دست "سیا" را بعداعلی، باز گذاشته بود و شخص محمدرضا بهلولی در تماس با هلمس (ابرجاسوس آمریکائی و رئیس اسبق سیا و سفیر اسبق امریکا در ایران) و بنا بدستورهای او کار می‌کرد.

اینک ایران از هربابت یک نمونه کامل و باصلاح فلاسفه "مثل علیا" برای تدابیر شیطنی امپریالیستی شده بود، محل تردید نیست و هنوز همه واقعتها درباره رژیم مخوفی که در این کشور حکمروائی می‌کرد، گفته نشده است. تبلیغات انقلاب نارسا و الکن اسد و معلوم نیست بچه مناسبت اینهمه حقایق برده در را به زبان ضدانقلاب و یا بسود انقلاب نمی‌گویند (وبانی- خواهند بگویند).

۲) ضدانقلاب سن از سرنکون سدن رژیم اسبدادسلطنتی کوسد بدست بخشی از سیاستمداران لیبرال که ماحدی در روند انقلاب خود را سرک داده بودند، ویا براه انداختن دهها مجله و روزنامه بح عنوان مخالفت با سانسور و دفاع از آزادی، جو مساس خود را ایجاد کنند. انقلاب با هساری تمام در مقابل این سکرد ضدانقلاب واکنس نشان داد و مهمترین رجال یا مطبوعات را، که نفس اسگرا مضری ایفا می‌کردند، بی‌اثر ساخت و اجاره سداد که مسحدان سرمایه‌داری جهانی و ارجاع ایران، اسگار را بارد سکرد بدست گیرند. ما سی خواهیم هرکسی را که در جریسهای طی‌کرا سرتک جسبه، فاد حس بیست نسب به اسلاب بسمریم، ولی قدر مسلم آنست که از زمان همین اشخاصی کسایی ماسد امبراسظام، مقدم مراغفای، در بیدارعلوی، مس دسری، حسرو قسنائی، ابوالفضل تاسمی، زنه و سبازی دیگر سرون آمده‌اند که گاه در همکاری باجعبت "حلق مسلمان" فعالیت می‌کرده‌اند. بنسی که اس

عناصر لیبرال در جریان انقلاب سن از آن در دوران دولت موقت وهم اکنون باری کرده‌اند و می‌کند و حواهند کرد. نفس منفی و گاه دوروبانه و مرورانه‌ای است. اس بنسی است بسود جانبها و فتوالها، بسود برخی روحانیون فسری و محافظه‌کار، بسود سرمایه‌داران برک وانسه و در سسحه و سکل فسری (و گاه سکل مسقیم) بسود امبرالسسم. حس سب و نا صفا سسندده در اس نا آن عرصه و ما داسر اعتمادات مذهبی اسدا و اصلا ساسری در عسب سنی اس

نفس تاریخی ندارد. دفاع دائمی آقای مهندس مهدی بازرگان از مواضع خود و دیگر لیبرالهای افساء سده حاکی از آنست که وی انقلاب رادرحد یک تغییر رژیم و تداوم سیاست اقتصادی و خارجی رژیمهای قاجار و بهلولی که تنها باید در خارجوب برخی "رفورمها" بماند، می‌فهمد و ابدا متوجه نیست که در ایران چه گذشته و چه میگذرد. موج نیست و نمی‌خواهد هم‌متوجه باشد.

۳) یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب رخنه در نهادهای انقلابی مانند دادگاههای انقلابی، کمیته‌ها، سیاه باسداران، جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفین و مطبوعات وابسته به آن برای ایجاد هرج و مرج قضائی، اعمال فشار به سازمانها و افراد وفادار به انقلاب، سلب اعتماد مردم از این نهادها بوده هست. علی‌رغم اخطار مکرر امام و سخنگویان دیگر رژیم انقلابی علیه جمافداران و نقض کنندگان امنیت، و علی‌رغم ساکساری مکرر این نهادها، متاسفانه عناصر ضد انقلابی و بویزه ساواکی هنوز از این مجراها دسایس سوم خود را به معرض عمل می‌گذارند، مراکز و دفاتر گروههای سیاسی و کتابخانه‌ها را می‌سوزانند و تاراج می‌کنند و تحت عنوان "اسلام" یا به بهانه اجراء امریه معروف، افراد بیگناه را مضروب و مجروح می‌سازند و بذرنارضائی و تفرقه می‌بایسند. آلودن نهادهای انقلابی ودولتی به زهر

آنتی کمونسیم و سوری سستری احمقانه و کور، که بسکل منظم و با عوام فریبیهای فراوان از طرف افراد معینی در جامعه اسلامیات و انقلابیت دنبال می‌سود، مضرات زیادی بار آورده و تا آنجمله تاکنون موجب دوبار اشغال مسند سازمانهای حزب ما در سراسر ایران و تخریب و لهب و غارت آن شده است. متاسفانه از این لحاظ باید بسود ساواک و ضدانقلاب حندیین "امتیاز" نبست کرد. امید است دولت انقلابی بتواند در مقابل این هرج و مرج و روس جمافدارای ایستادگی مؤسز کند و از این همه درسهای روشن تاریخ عبرت آموزد. بهانه کردن مسائل مذهبی و عنوان کردن امریه معروف و مسئله حجاب اسلامی برای تجاوز به امنیت و حرمت بانوان ما یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب بدست مسلمان نما هاست،

که در برخی موارد حتی به جاقوزدن برخی بانوان بی‌حجاب (در ارومیه) و یا عدم فروش جنس به آنان (در بوشهر) منجر شده است. این اقدامات علی‌رغم دستور صریح دفتر امام و تذکرات مکرر شخص امام صورت گرفته است که باید قویا جلوی آن سد شود. هدف این گونه اقدامات همراه حد زدن‌ها و رجم کردن‌ها، تنها و تنها تاریک‌ساختن اسلام علوی و جانسین کردن آن با اسلام ضیاء الحقیقی است. هرگز شیعیان بیروعلی اسلوبهای حجاج بن یوسف بقتی و سمرین ذی الجوشن را اسلوب کار خود قرار نمی‌دهند و آدمکشی‌های حیوانی مانند سلطان محمد مظفر (که از سرنماز برمی‌خواست و بعنوان اجراء حد و تعزیر سخما سرمی‌برید) اسلوب اسلام واقعی نیست. اسلام محمد و علی سربعت سمحه و سهله ست و بویزه نسبت به کسانی که باوی از راه دوستی عمل می‌کنند، جز از راه دوستی عمل نمی‌کند.

۴) یکی از کارهای ضدانقلاب به قصد خرابکاری افساندن بذر رعب و هرج و مرج و لطمه‌زدن به امصادما، ایجاد انفجار در بالاسگاه‌های آبادان و کرماسه و اصفهان، منفسر کردن هزارها مترلوله‌های نفت در خوزستان در موارد عدیده، افکندن بمب و خمنازه در سهرهای بهران، درفول، اهواز، خرمسهر، آبادان، بعهده ماکو، کرمان، کجساران و مفاط دیگر بوده است. دهها مورد از این سب‌کدارتها، بیس از وقوع فاجعه کسف و بمبها و مواد انفجاری دسکرسنی سده است، ولی مساسنه درسی از بیست مورد انفجار روی داده و منجر به تلفات سکنس حاسی ومالی و رحمی‌سدن صدهاس ار هموطنان ما کرده‌اند است نمونه صعب نازه آن در کجساران است. بیجا در سهران، در مسدان امام حسنی، سسما نادر، سس الفعاره، سسارسا طالطایی، سسار کسائی و مفاط بر حصصبت دسکرسنی سده و در یک مورد سارمان محعولی به نام "حسبه رهائی- حس بدرال ایران" حواد را مسکر معرفی کرده است. در خوزستان دوبار سب‌کداری در تارابانجام گرفت. که موجب تلفات سکنس مسافران بی‌کاه مظار سب. به عمل سب‌کداری، ماند اندابان سن کداری‌ها را سب بوره در حاده‌های کردستان انرود، که به ماسودی کامسویسای سعده سرباران و باسداران و ابوسسینا احاسد و بلنات‌حاسی و نالی تراوائی ساژ آورد.

ضدانقلاب به کمک بمب‌گذاریهای متعدد در نقاط مختلف خوزستان توانست لطمات سنگینی به تولید نفتی ما وارد سازد. این امر همراه با فقدان وسایل بادی و خودداری از خرید محصولات نفتی ما از طرف مشتریان امپریالیستی، منبع اساسی ارزی ایران را زیرضربه قرار داده و روشن است که هدف آن زمین بردن قدرت پرداخت ارزی کشور ما و فلج کردن اقتصاد و اعمال فشار حیاتی به سربای نفوس ایران است.

۵) یکی دیگر از اعمال وحشیانه ضدانقلاب ترورهای متعددی است که در بوشن سازمانهای مخفی مختلف بویزه گروه "فرقان" بعمل آورده است و منجر به قتل سرتلشگر قسری، آیت‌الله مطهری، قاضی طباطبائی، حاجی طرخانی، حجت الاسلام مفتح، عراقی و زخمی شدن حجت الاسلام رفسنجانی شد. عملیات ترورستی، علاوه بر فرقان، از طرف گروههای دیگری نیز انجام گرفت و مجموعا پانزده نفر در عملیات گوناگون ترورستی کشته شدند. در موارد عدیده‌ای ترورستی‌ها گروههای مختلف پاسدار را، بویزه در شب در نقاط مختلف شهر، به گلوله بست و جمع کنیری از جوانان ما را شهید ساخته‌اند. شاید بتوان گروههایی از قبیل "گروه شاهین" در تهران و "باند پلنگ" در نیشابور را که به کشتن و ربودن و غارت کردن پرداخته‌اند، به این عملیات ترورستی اضافه کرد. خوشبختانه ارگانهای انقلابی و دولتی توانستند بسیاری از این گروهها را کسف و بی‌ضرر کنند و هم چنین افراد بمب گذار متعددی به جنگ عدالت افتادند و میتوان گفت که ضدانقلاب از این رهگذرها جز ننگ ابدی حاصلی بدست نیآورده است.

۶) یکی از اقدامات مهم ضدانقلاب ایجاد آشوب و ناامنی در نواحی مرزی دارای خلقها و مذهبهای خاص مانند کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، بلوچستان و نیز آذربایجان بوده است. در کردستان امپریالیسم، فتوادالها، بقایای رژیم بهلولی همراه برخی گروههای چپ‌نما و با پشتیبانی حزب بعث عراق، ترازدی سراپاخون‌آلود و فجیبی بوجود آورده‌اند که تا امروز با شدت ادامه دارد و منجر به خون ریزیهای فراوان در شهرهای سنندج، باوه، نقده، کرمانشاه، سقز و دیگر نقاط کردسین شده است و به یک جنگ واقعی با مداخله ارتش و پاسداران و بیس‌مرگان طرفدار انقلاب از سوسی و افراد مسلح مخالف انقلاب از سوسی دیگر مبدل گردیده است.

این صحیفه سراپا جنایت، که تا امروز نیز با خون سرخ مردم کردستان نوشته می‌شود، سند نیرومندی علیه امپریالیسم جنایتکار و ارتجاع دست‌نشانده آنست.

یکی از هدفهای مهم ضدانقلاب آن بود که بدست "حزب خلق مسلمان" نظیر این وضع رادر آذربایجان نیز بوجود آورد. در واقع نیز با تنظیم چندین توطئه مقدماتی در قم و تبریز و ارومیه (و دیگر شهرهای آذربایجان شرقی و غربی) وضع بسیار حادی در آذربایجان بوجود آوردند (حوادث آذرماه ۱۳۵۸) که تنها شرکت وسیع مردم علیه توطئه و فداکاریهای عناصر انقلابی توانست سرنجام بر بحران غلبه کند. این تحریکات بویزه در تبریز و ارومیه ساگان و داخا ادامه دارد. با اینحال ضد انقلاب نتوانست به قول خود اتحاد "مهاباد- تبریز" را، که آرزوی بی بود (و حتی یک بار ستابکارانه تحقق آنرا اعلام داشت) عملی سازد.

مرکز دیگر تحریکات که می‌باید از جهت جغرافیائی دردنباله آذربایجان و کردستان قرار کرد، خوزستان است. تحریک عشایر عرب، طرح دعاوی جغرافیائی از طرف دولت بعثی عراق در مورد جزایر سنب و ابوموسی، خرابکاریهای وسیع در موسسات نفتی، ایجاد بلواهای متعدد در سهر-های آبادان، درفول، خرمسهر، بدرحصنی، اهواز و غیره می‌بایست، موافق نسخه طراحان امبرالسسی، به خارج سدن خوزستان از کسیرل رژیم انقلابی منجرسود. البته صداسلاب بواسب دران ناحیه صربات سکنی برولسد بف و به اصصب عمومی وارد سازد، ولی به هدف اساسی خود ماکون دست نیافه است.

نظیر این بحریکات در کسدکاوس از سوسی و راهدان و بلوچستان از سوسی دیگر بارها تکرار سده است، که آنها نیز با امروز عمم مانده، ولی رسه دسسه با امروز هم بریده سده است. اتحاد حوادت حوسن به این بواحی محدود سسب. صداسلاب‌هرجای دسکر که بواسب، ماسد سهرهای ابرلی، رسب، سدرلنکه، سلساس، مم و عمره سب حوادت حوسنی را سربست داده است.

۷) یکی از اقدامات دسکرسنی ضدانقلاب اتحاد هرج و مرج و آشوب و دسکری در داسگاههای کسور است، که بدحوادث حوسنی در داسگاه بهران، داسگاه حدسب سوراهاوار و داسگاه کلان مسجرسد. با تمام ساگند امام داتر به هنگاری روحانی و داسگاهی، صداسلاب کوسد با سب اس دوسرو حوسبناحم بسود آورد ما بسواد از اس آس دسی کرم کند.

# انقلاب و مسئله زنان

" دادگاههای خانواده باید در مورد طلاق دقت بیشتری کند و معنی عدالت در خانوادهها تعمیم داده شود و حقوقی که در اسلام بدران تعلق گرفته، مدتها مارک داده شود... اکثر خانوادهها از من خواستند که در مورد مسئله طلاق دقت بیشتری از جانب دادگاههای مدنی خاص اعمال شود، که آیا طلبهای اخیر واقعا اسلامی است؟

امروز معمول براینست که مجری، صیغه را در برابر دوشاهد انجام میدهند که این دوشاهد زوجین را نمی شناسند و این درست نیست. باید معنی عدالت را در خانواده تعمیم بدهیم، حال آنکه عده زیادی از خواهان مدارحالی خریدن و ناپودی هستند. از برادران می خواهیم در مجالس مردم را متوجه این امر خطیر بنمایند، باید به وضع زن امروز رسیدگی شود و حقوقی را که در اسلام داده شده، به آنها بازگردانند. " خانم گوهرالشریعه دستنویس، در جلسه ۲۸ مرداد ۵۹ مجلس شورای اسلامی "

شکایت از دادگاههای مدنی خاص و احکام طلاق این دادگاهها، که در اکثریت خود به زیان زنان صادر شده، هم نارضایی و هم نگرانی در میان زنان برانگیخته است، که سخنان خانم دستنویس، در مجلس شورای اسلامی بر آن اشارت دارد.

روزی که قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص به تصویب شورای انقلاب رسید، ما نوشتیم که این دادگاهها باید بر اساس قوانین عدالتگستری که با خصلت انقلاب خلقی ما، همخوان باشد، درباره مسائل و مشکلات خانوادگی موضع گیرند و حکم کنند و نه طبق قانون مدنی مصوب دوران سلطنت رضاشاه، که به گفته امام خمینی، از ادواری بوده که " نسبت به زنان ظلم شده است. "

متاسفانه دادگاههای مدنی خاص، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی را معتبر دانسته و مبنای قضاوت خود درباره اختلاف زن و شوهر قرار داده اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، که متعلق به دوران سلطه یک رژیم ستونگراغوتی است، منحصر به مرد حق می دهد که هر لحظه اراده کند، زن خویش را طلاق گوید. بهانه طلاق مهم نیست. آنچه مهم است، آنست که، این ماده بیوسته مورد سوء استفاده شوهران بوالهوس و خودپرست و غیرمسئول بوده است، که خواست دل خود را مافوق مصالح جامعه، خانواده و زن و فرزند خویش قرار داده اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در دست شوهران بی فرهنگ تیشهای بوده که بر ریشه خانواده زده شده، و نزدیک طرفالعین، زنی را که " همسر " و " مادر " بوده، در آغوش خانواده جای داشته و از امنیت برخوردار بوده، از دل خانواده برکنده و بادست و دامان تهی به خیابان انداخته و به سرنوشت نامعلوم سپرده است.

هنوز همین ماده طاغوتی بر سرنوشت زنان حکم می راند و شوهرانی، به تبع طبع بوالهوس و خواستن ها و نخواستن های خود، دست همسر خویش را می گیرند و به دادگاه می برند و دادگاه با حضور دوشاهدی که، به گفته خانم دستنویس، زوجین را نمی شناسند، صیغه طلاق، یعنی حکم درآندگی و بی پناهی زن را جاری می کند.

اگر درست است که در دوران سلسله جنایتکار پهلوی بر زنان ظلم رفته است، که رفته است، پس نظام انقلابی جمهوری اسلامی، که گورکن آن رژیم جناب بود، باید بتواند از زنان رفع ظلم کند.

نقش زنان ایران در جریان انقلاب بر سرکوه ۲۲ بهمن و ادوار قبل از آن بر احدی پوشیده نیست. امام خمینی بارها با کلامی گرم و نافذ بر نفس ارزنده و برجسته زنان در جریان مبارزات مردم ایران گواهی داده و از آنان تجلیل کرده اند.

نظام جمهوری اسلامی ایران باید بتواند دست زنان را، که در جریان انقلاب، حماسه های رشادت و قهرمانی و پایداری و ایثار آفرینند، بگیرد و آنان را از اعماق تبعیض و ستم بیرون کند و بر اوج برابری زن و مرد بنشاند.

غالباً بر ضرورت شرکت زنان در مبارزات ضد امبرالیسی و خلقی تا بیروزی نهائی تکیه میشود. این تکیه ای است منطقی، زیرا انقلاب ما بدون شرکت زنان نمی تواند بر آرمانهای استقلال طلبانه و خلقی خود دست یابد، و زنان بمنابۀ اعضا جامعه، نسبت به کشور و مردم خود وظایفی برعهده دارند، که انجام آن در صدر تعهدات خانوادگی، سیاسی و اجتماعی آنان قرار دارد. اما توجه به این وظیفه مهم، که زنان خوب شناخته در انجام آن سر بلند بیرون آمده اند، ند بینواند بمعنای نفی سایر وظایف زنان و نه نفی حقوق آنان باشد.

زنان مانند مردان وظایفی دارند و حقوقی، که باید این هردو از سوی جامعه محترم شناخته شود سلسله وظایف زن، وظایف همسری مادری، در جامعه، تعهدات سیاسی و اجتماعی نسبت به همین

و مردم، سرک در حجاب اقتصادی کشور و عبره و غیره را در بر می گیرد. هیچ جامعه ای حق ندارد، بخشی از این وظایف را از زنان سلب کند، و اگر چنین کند، بمعنای آنست که بیرونی بیعی از جامعه را نادیده گرفته و به تضعیف بسبب اقتصادی و سیاسی جامعه کمک رسانده است.

زنان در قبال وظایف خود در جامعه و خانواده هستند، دارای حقوق مسلمی در جامعه و خانواده هستند، که هیچ جامعه عادل و رشیدی حق ندارد بر حقوق اقتصادی و سیاسی و خانوادگی آنان خط بطلان کشد، و اگر چنین کند، به معنای آنست که جامعه عادل نیست، ظالم است، رشید نیست، رشد نیافته و خام است.

بدینسان آنجا که صحبت از برابری زن و مرد به میان می آید، نباید و نمی توان تنها از وظایف زنان در برابر جامعه سخن گفت و حقوق آنانرا نادیده گرفت.

متاسفانه نظام جمهوری اسلامی ایران، این نظام برخاسته از قلب پر تپش انقلاب خلقی ما، هنوز نخواستۀ و با فرصت نیافته، آنگونه که شاید، به مسئله حقوق زنان توجه کند. و همین مسئله است که نگرانی اقشار مختلف زنان را برانگیخته و نسبت به سرنوشت خود بیمناک

ساحه است. سابعات مربوط به باز خرید و مارکسی روبرو در وقت زنان و سواهدی در این باره، افراس طلاق در خانوادهها بعلت سوء استفاده سوهرا از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، دلالت بر بی بوجوبی به حقوق زنان دارد، که خاتم دستنویس بدرسی از آن با جمله " عده زیادی از خواهان ما در حال خریدن و ناپودی هستند " یاد کرده است.

نظام جمهوری اسلامی ایران درصدا اقدامات خود باید به زنان استقلال اقتصادی دهد، یعنی امکانات شرکت زنان را در حجاب اقتصادی کشور گسترش بخشد و نه آنکه آنرا محدود کند. بویژه در شرایطی که جامعه باید به وابستگیها پایان بخشد و کشور را به مرز خودکفائی برساند، نمیتوان از میلیونها بازوی کار بی نیاز بود. امام خمینی بارها تاکید داشته اند که " اسلام مخالف با کار زنان نیست. "

و اما این مسئله که زن باید در محیط کار از نظر من و پوشش دچار افراط کاری نباشد، امری است که باید بذیرفت. وقتی استقلال اقتصادی زن تامین شد و احساس انسان بودن و آزاد و مستقل بودن در او بیدار شد و رشد یافت، آن وقت، اگر هم در زندگی خانوادگی براوستی رود،

## رانندگان کامیونهای سنگین :

# ضد انقلاب همین سرمایه دارهای بزرگ و دلالها هستند.

در کشور ما معدومترین وسیله حمل و نقل، که بید و بوسیله کامیونهای سنگین و نیمه سنگین انجام می گیرد، که در جاده های بین شهرها در حرکتند. آنرا یکی از شریانهای عده اقتصادی ایران نیز نامیده، قبل از انقلاب، سرمایه داری بزرگ در این بخش اقتصادی گسترش چشمگیری داشت و با بوجود آوردن شرکتی بزرگ پاره پاره، به استعمار رانندگان و کمک رانندگان مزدبگیر و صاحبان رانندگانی که تنها یک کامیون داشتند می پرداخت.

پس از انقلاب اکثریت این عده، که به دربار نیز وابستگی هبی داشتند (از همپانگی های شاهپور غلامرضا پورند) فرار را بر قرار ترجیح دادند، که خوشبختانه اخیراً شرکتها ایشان ملی اعلام شده است.

در کنار این عده سرمایه داران متوسط و کوچک این بخش قرار دارند، که با داشتن چندین کامیون (از ۵ تا بیش از ۱۰۰ کامیون و تریلی) در جوار آن توقف گاهی بزرگ پاره پاره، به استعمار رانندگان مزدبگیر می پرداختند.

از این واقعیت که بگذریم، اکثریت صاحبان کامیونها و تریلرها قرار دارند، که با داشتن یک کامیون یا تریلی و با کار سنگین و مشقت بزرگ و خطرناک امرار معاش می کنند. این عده اکثریت زحمتکش این بخش اقتصادی را تشکیل میدهند.

با توجه به اهمیتی که این بخش در اقتصاد کشور دارد، نامید شدن قشر زحمتکش این بخش می تواند لطافت جدی به انقلاب نهاد امپرسیونیستی و خلقی ایران وارد سرد این بخش مشكلات و معضلات خاص خود را دارد پس از انقلاب و پس از محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن، ورود قطعات و لوازم یدکی کم و بیش کهنی یافت و در ارتباط با آن، سرمایه داران بزرگ و دلالان و واسطه ها قیمت این اجسام را به پهنه نه کمبود و نبود آنها به چندین برابر افزایش دادند و به این شکل یکی از عرصه های ناراضیاتی در بین زحمتکشان را بوجود آوردند. از سوی دیگر سرمایه داران بزرگ که در کار توقفهای پاره پاره هستند، با استفاده از تعلل های دولت موقت، به دست باز به سوء استفاده از رانندگان به شکل دریافت بحد و مرز کمیسیون بار پرداختند و به این شکل حمله دیگر ناراضیاتی را در بین این زحمتکشان تکمیل کردند.

در این زمینه با رانندگان به صحبت می نشینیم. یکی از آنان می گوید: «اوقات (لوازم یدکی) نیست و اگر هم هست پنهان کرده اند و گران می فروشند. دیررز هم گزول را باز کردم و رفتم بدنبال اوقات. یک روز از کار و زندگی باز ماندم و آخرش هم گیر نیاوردم، مجبور شدم همانطور بپ را بپندم. الان لاستیک ندارم. اول چغنی ۳۰۰۰ تومان می خریدم، الان ۶۰۰۰ تومان هم پیدا نمیشود».

یکی دیگر از دستاس، که همراه اوست، می گوید: «اول بلبرینگ می خریدیم ۱۳۰۰ تومان، الان می خریدیم ۸۰۰ تومان. چهارشاخه گاردان اول ۸۰۰ تومان بود، الان ۵۰۰ تومان می خریدم».

و راننده اولی به سخن ادامه میدهد: «راستی را بخواهی همه چیز در ایران هست. الان پنگاهای پر است، ما که می رویم بار خالی کنیم، می بینیم وسایل یدکی و مواد مصرفی هست. فقط یک نفر می خواهد اینها را از انبارها بکشد بیرون. ضد انقلاب همین سرمایه داران بزرگ و دلالها هستند. جنس را گزول اند و قانع کرده اند، یک نفر مثل آیت الله خلغالی آدم می خواهد به جان اینها بیفتد و اینها را آدم بکند والا اینها آدم نمی

شوند».

سپس واقعه ای را در این زمینه تعریف می کند: «رفته بودیم روغن نباتی بار بزرگ. از کارگری که آنجا بود پرسیدیم: شما مگر روغن تولید نمی کنید و یا کم تولید می کنید؟ می گفت: بخدا قسم سواد ما بیشتر شده و کمتر نشده است، راست هم می گفت، ولی دالاسها و سرمایه دارهای بزرگ می خریدند و پنهان می کنند و گران می فروشند».

از مشکلات دیگر او ستروان می گوید: «وقتی به شهرستان می رویم، مسافر خانه که صرف نمی کنند، مجبوریم شبها توی ماشین بخوابیم. هتل مسا ماشین ما است. ما بیشتر می رویم از برای خواب نه گاراژ جا دارد و نه خودمان جایی داریم، مجبوریم توی ماشین بخوابیم. تا حالا به سندیکا ۴۰ دفته گرفته ام و هیچ کاری نتوانسته بکنند. چندی پیش از برای راه انداختن اتوبوس گردند تا لاقول گاراژدارها جایی را درست کنند، ولی همیتواری ماندند. گاراژدارها از باری که ۵۰ زنی، از تومانی یک قران تا تومانی ۴ ریال کمیسیون می گرفتند. بارها را هم کامل بر نمی کنند و یا کم می نویسند، تا هر چه قدر بخواهند بردارند».

با راننده ماک نفت کش، که نامش عین الله است، به گفتگو می نشینیم. او قبلا در جده ساره مکینکی داشته و به همین دلیل به چکوتکی کمبود و گرانی قطعات یدکی آگاهی کفی دارد. او می گوید:

«لوازم یدکی خیلی مشکل گیر می آید، هر کجا که می روی، نیست. از عده فروشهای قدیمی مثل عده فروشهای خیابان قزوین که بگذریم، دیگران عده فروش نیستند. مثلا از این آقا می گیرند و یا قاچاقی وارد می کنند و لوازم هم دارند، ولی نمی دهند. اینها (سندس) فروشها) می افتند دوره، مغازه به مغازه و طی می کنند که فلان جنس را از فلان قیمت ارزتر نفروشد».

رفته بودم سوپا بگیرم، از آشنای خودمان هم رفتم بگیرم، فروشنده می گفت: آقا سوپا نیست، اگر باشد ما ۱۳ تانی می فروشیم و نه ۶ تانی و ۲۷۰۰ تومان هم میدهم. همین رفیقمان را که می بینی (دوستی را که در زیر ماشین در حال کار است نشان میدهم) آسول (مخوره) ماشینمان را باز کرده بود و چهار روز اینجا خوابیدم برای ۴ میل سنگدست و شما بینی تعجب میکنی دو تا میله کوچک و دوتا پوش و چهارتا کلاه نمد، سه روز همیتواری ایستادم، تمام تیران را زیر و رو کردم. گفتند نیست. رفتم جاده ساره پیدا آوردم. فکر میکنی چند؟ ۵۰۰ تومان!»

و از مشکلات دیگرش سخن می گوید: «ماشین ما قانکر است و شرکت نفت به ما نار می دهد، ولی این وسط تدهای دلال بنام بیمانکار پیدا شده اند و فقط با کاغذ بازی از ما کلاسی می کشند! مثلا از اینجا می رویم آژان تا برای رشت و میانه و قزوین و مشهد و یا هر جا که باشد، بار می زیم یت سر ماشین خالی است. حساب کن که خرج ماشین چقدر می شود. در این بین آخر بیمانکار جکاره است! یک ماه یک بار باید از ماشین من برداشته بکنند برای چر؟ به پنهان بیه! و کاغذ بازی!»

یک ماه پیش از عید، ما بنشینم تصادف کرد. یک تاکم را دزدیدند و ۲۷۰۰۰ یتر گازول ما از بین رفت. ما اینکه پول گازول را بیه میدهم، به بیمانکار گفتم: خوب، این کار را باید شما درست کنید، چون شما بیمانکارید و کمیسیون می گیرید و پول بیه می گیرید. آخر قبول نکرد. میگفت دولت اینرا قبول نمی کند. دولت

مفطر بر طراطمی و احساسی ضربه خواهد خورد و نه معیسی، که او را به نالابهای فساد و ناپودی خواهد کشاند.

نظام جمهوری اسلامی باید حقوق زن را به منابه یک انسان برابر حقوق در خانواده نامس کند، تا مرد نتواند هرگاه اراده کرد، زن را از آغوش خانواده جدا کند، فرزندانش را بگیرد و درمانده و بی پناه پشت دربگذارند. زنی که از نظر اقتصادی وابسته به مرد است و خود قادر به تامین معیشت خویش نیست و در خانواده نیز فاقد حقوق است و شیشه زندگی مشترکش در دست مرد، چگونه میتوان از چنین موجود درمانده و توسری خورده و تحقیر شده ای، انسانی آگاه و مصمم و مبارز و پرخاشگر ساخت، که تحمل ظلم نکند و بر ضد آن بستیزد؟

اگر انقلاب حقوق تضییع شده زن را، تامین نکند، چگونه میتوان از او متوقع بود که به بهای جان از انقلاب دفاع کند؟

این وجه از قصور ویایی توجهی نسبت به حقوق زنان، متاسفانه مورد سوء استفاده فراوان ضد انقلاب قرار گرفته است. ضد انقلاب پیرامون آن شب و روز تبلیغ و شایعه سازی میکند، موارد را تعمیم میدهد، نقائص را بزرگ می کند و میخواهد به زنان بقبولاند که، انقلاب خیرخواه آنان نیست. نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد که با لفو کلیه قوانین تبعیض گرا و تصویب قوانین درباره حقوق برابر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان، به نحو روشن و مشخص بر این افسون دشمن آب بطلان بریزد.

باید اینها را کنترل کند و در لانی اگر کمیسیون لازم است دولت برادر، چرا به جیب دلانیا برود؟ اینها هر کدام هفته ای ۱۵۰ تا ماشین یمان می بندند با این حساب دست اگر توی راه تصادف کنیم و ازین بروم، خرج زن و بچه ام بپردازم!

راستی تمام این مشکلات و گرانی و کبابی اجناس برای اینست که بعد از انقلاب دولت این واسطه ها و دلالها را به امان خدا ول کرده و آنها از این انقلاب دارند بی سر و صدا سوء استفاده می کنند و خیلی هم قشنگ. دولت باید این واسطه ها و دلالها را از بین ببرد و خودش به ما جنس بدهد. در غیر اینصورت هر روز که بگذرد، وسایل یدکی گرانتر خواهد شد».

با یکی دیگر از رانندگان، که یک ییز خاور ۲۶ تن دارد، به گفتگو می نشینیم: «مشکلات زیاد است. از یک طرف لوازم گیر نمی آید و ماشین می خوابد و از طرف دیگر گاراژدارها هر چند بخواهند کمیسیون بپرمی دارند، بیه هم که نیست. من الان ۱۱ سال است روی این کارم. هنوز بیه نیست. اگر توی راه تصادف کنم و از این بروم، خرج زن و بچه ام چه میشود، معلوم نیست!»

با راننده هیش را نشان می دهد: «مثلا این تره بار میدان است، ۱۰۰۰ تومان برای یمان بار زده (گاراژدار) ۳۵۰ تومان برداشته، این دیگری بار درستی است که از ۱۴۰۰ تومان ۱۵۰ تومان برداشته. آخر کاغذ بازی چقدر خرجش است؟

به غیر از کمیسیون، شبی ۱۰ تومان برای دالان دارم، و شبی ۱۰ تومان برای انبارداری. پول می گیرند، اگر ماشین سالم باشد و نخواهد، هفته ای سه سرویس می روم، کسه لوبت ۳۰۰ تومان او برمی دارد، بیه در عرض ۱۱ سال، من پول ۴ تا ماشین به این گاراژدار داده ام!

اگر دولتی باشد که برای مستضعفان کار کند، نباید یک کمیسیون ثابت بگذارد، تا بدانیم چقدر بسه گاراژدار باید بدهیم.

مثلا در گاراژ ایلام در برابر ۱۵۰۰ تومان بار، گاراژدار ۵۰۰ تومان کمیسیون می خواهد. اگر بگویم نمی دهم، می گوید، دیگر توی این گاراژ نیا. اگر هم گاراژ نرویم، بار نداریم. خود گاراژدار که اینجا نیست، یک نفر پیرمرد را گذاشته کارش را بکند و خودش هم معلوم نیست خارج است یا اینجا است.

ومی خوب، ما شب و روز داریم زحمت می کشیم، کادم راننده است که بتواند ۴۰ سال رانندگی کند، از ۱۸ سالگی افتادیم به این شغل. تا کمرمان خرد بشود باید یک عمر توی این کار باشیم. بعد از یک عمر کارمان گدائی است و هیچ آینده ای هم نداریم».

رانندگان کامیونها، این زحمتکشان، که با تحمل مشکلات فراوان محمولات اقتصادی کشور را به مقصد می رسانند، عقق مشکلات خود را به خوبی می دانند و همچنین راه حل های آنرا.

دولت با در دست گرفتن صنایع و بازرگانی خارجی و ایجاد فروشگاههای دولتی، که بواند احتیاجات اساسی این زحمتکشان را مستقیما بدستمان برساند و با ثابت نمودن میزان کمیسیون بار و نظارت بر آن می تواند زحمتکشان را به انقلاب دنگرم سازد و در این روند صفوف انقلاب را نیز مستحکمتر سازد. در غیر این صورت ضد انقلاب در توطئه های خود برای شلج کردن شریانهای اقتصادی کشور و تشدید ناراضیاتی، از این تابمانی سود خواهد جست.

# گذری به روستاهای اطراف اراک

### کم آبی مشکل عمده کشاورزان گیلی است

روستای گیلی زبخش مشک آباد دورد ۲۵ کیلومتری جاده اراک - خمین واقع است در این روستا حدود ۱۶۰ خانوار (۹۰۰ نفر) زندگی میکنند، که ۵۰ خانوار آنها را زحمتکشان بی زمین (خوش نشین) تشکیل میدهند.

در روستا از آب لوله کشی، برق، درمانگاه، حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی خبری نیست. اغلب زمینهای روستا دیمزار هستند و محصولات عمده روستا گندم، جو، بیابان و حبوبات است. در روستا شورای ده تشکیل شده است، که چهار عضو دارد، ولی به علت عدم امکانات، شورای ده تاکنون موفق به انجام کاری برای روستا نشده است. مشکل آب کشاورزی یکی از مشکلاتی است که اغلب روستائیان این منطقه از آن زجر می‌کشند. در فاصله چند کیلومتری روستا، با دونفر از زحمتکشان گیلی، که مسئول غربال کردن جو هستند، صحبت می‌کنیم.

عربعلی، پیرمردی که در حدود ۶۵ سال از سنش می‌گذرد، می‌گوید: "مشکل ما گیلیها، بی آبی است"

از کمی آب مجبور شدیم از گیلی به اینجا بیاییم و یک قطعه زمین را بکاریم.

وی یک کوت جورا، که در حدود ۳۰۰ کیلو است، به ما نشان داده می‌گوید: "این کوت سهم من است، نصف محصول را"

بابت آب و زمین به صاحب آن می‌دهم. این حاصل زحمت چندین ماهه منست در

قطعه زمین دیگری ۱۰۰۰ تومان پول تراکتور را دم‌دم زمین را شخم زدم و گندم

پاشیدم، ولی زبانی هیچی بدستم نیا مد! محمدحسین، که یکی از دهقانان بی زمین گیلی است، می‌گوید:

"عسر و آله دارم، ولی زمین برای کشت ندارم و مجبورم برای سرکردن شکم بچه‌ها با عملگی کنم و یا روی زمین دیگران کار کنم."

قاسم یکی دیگر از دهقانان بی زمین می‌گوید:

"با ۱۰۰ هزار تومان حتی یک وجب زمین (رعیتی) ندارم. تازه اگر هم زمین داشتیم از بی آبی نمی‌توانستیم بکاریم."

روستای گیلی ۲ قنات دارد، که به علت عدم لایروبی، آبشان خیلی کم است البته جهاد سازندگی اراک با کمک اهالی مسئول لایروبی یکی از قناتهاست

عمده ترین خواست روستائیان گیلی کمک دولت در زمینه آبرسانی است. آنها می‌گویند:

"اگر مسئولین امر به ما کمک کنند خواه عمیق بپزند، از این نظر مشکلمان حل می‌شود."

روستای گیلی فاقد حمام بهداشتی است و حمام روستا به صورت خزینه‌ای است اهالی روستای کمال آباد از دست و است

انقلاب تقاضای کمک دارند

روستای کمال آباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک واقع است. زحمتکشان این روستا، که جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰ نفر است، به علت عدم امکانات مالی، از دست برق محرومند. با اینکه برق منطقه‌ای تمام روستاهای اطراف را پوشانده است، زحمتکشان این روستا توانایی پرداخت هزینه‌های اولیه برای برقراری آن را ندارند. در ضمن به علت همین کمبود قدرت مالی روستائیان، فعالیتها و جهاد سازندگی برای احداث حمام برای روستا موقوفه مانده است.

اهالی این روستا اردول و بهداشتی انقلابی، به خصوص جهاد سازندگی، انتظار دارند که در تمام ساختمان حمام، که احداث آن از یک سال پیش موقوف شده است و دیگر امکانات اولیه زندگی بطور آسان و آسوده، بر روی امکانات بهداشتی روستا جاری شود.

روستای چمانکه در کدام عصر زندگی میکند؟

در ۲۵ کیلومتری اراک، در میان کوه - باهها، خانه‌های مخروبه‌ای به چشم

می‌خورند. اینجا روستای جلالک است. جلالک، از بخش مشک آباد، یکی از هزاران روستای فقر زده میهنمان است. که براساس سیاستهای ویرانگرانه رژیم سرسپرده شاه سابق به صورت مخروبه‌ای درآمده است، و در نتیجه نصف اهالی آن مجبور به مهاجرت از روستا شده‌اند. جلالک فاقد ابتدائاتی ترین امکانات زندگی است و حتی مفاهیم در آن وجود ندارد. روستائیان برای خرید کبریت هم ناچارند به اراک بروند.

در جلالک قبلاً ۵۰ خانوار زندگی می‌کردند، ولی اینک فقط ۳۰ خانوار (۱۵۰ نفر) از آنها باقی مانده اند و بقیه به مرور روستا را ترک کرده‌اند. از این ۳۰ خانوار، ۱۰ خانوار آن را دهقانان بی زمین تشکیل می‌دهند.

روستا در حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین مزروعی دارد، ولی برای زراعت آب بیسنترزمینها بدون استفاده مانده‌اند.

روستائیان علاوه بر کسب و کاری باقی هم می‌کنند و تقریباً تمام زنان جلالک به این کار اشتغال دارند.

یکی از اهالی جلالک می‌گوید: "از کسب و کاری چیزی عایدمان نمی‌شود و بیشتر درآمدمان از طریق قاچاق لیبیا فی تا مین می‌شود."

وی با لبخندی می‌افزاید: "خرج ما از نهالیمان تا مین می‌کنند"

برای آشنائی بیشتر با مشکلات عظیم این زحمتکشان، با یکی از آنها می‌نشینیم. آقای جلال ونیدی، که رئیس شورای ده

جلالک است، در ۳ کیلومتری روستا مشغول درو کردن گندم است. بونه‌های گندم از بی آبی اغلب پراکنده‌اند و به نظر میرسد تا قدری با شند. وقتی ما را می‌بیند، می‌گوید:

"شما هم نمی‌توانید کاری برایمان انجام دهید. دهقانان ما به نوشتیم، دهها بار به فرمانداری رفتیم، نزد امام جمعه اراک رفتیم و ... ولی یا به ما وعده دادند، یا ما را فراموش کردند، یا به ما گفتند شما اولویت ندارید."

ما هیچی نداریم. هیچ دلخوشی نداریم. برای مثال: حمام خزینه‌ای ما ۴ ماه خوابیده بود و حتی نمی‌توانستیم خودمان را تمیز کنیم. از بی آبی در غذا بییم و ..."

وی درباره اداره‌ها می‌گوید: "اینها املا" به کار مردم رسیدگی نمی‌کنند باید این ادارات را، همان‌گونه که امام دستور داده‌اند، جدا تمفییه کنند. در

زمان طاغوت که برایمان هیچ کاری - نکردند، ولی ما از دولت انقلابی خود توقع داریم به وضع ما رسیدگی کند."

به روستا که وارد می‌شویم، اهالی ما را احاطه می‌کنند و هر کدام به نوعی از درد مشترک خود سخن می‌گویند.

حاج محمدنویی، عضو دبیر شورای ده، با حالتی کمر خسته و خشمگین می‌گوید: "روستای ما را خالی کرده‌اند، چرا؟ فقط به علت نبودن ابتدائاتی ترین امکانات در ده، نبودن آب برای کشاورزی، روستای ما خالی شده، اگر به وضع ما رسیدگی شود، بقیه هم مجبور می‌شویم روستا را ترک کنیم، آواره شهر شویم."

از وی درباره فعالیت شورای ده سؤال می‌کنیم. در پاسخ می‌گوید:

"ده بار به استاندار، فرمانداری و دیگر مراجع مسئول مراجعه کردیم، ولی حتی یک قدم هم برای ما برنداشتند، که نتیجه گرفته باشیم. سورا تا به حال هیچ کاری نتوانسته است بکند."

عشقلی، پیرمردی که در ده زحمتکش جلالک با متانت می‌گوید:

"ده جلالک از ایران نیست، زیرا برق از دوفرسخی وارد شده و تا کود زور زفته، ولی هیچ توجهی به ما نشده است. پس معلوم می‌شود که ما از ایران نیستیم."

اوستف مخروبه دالان خانه‌ها را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید:

"پس چرا به مسامحه و اطمینان و اطمینان نمی‌شود؟ من حتی نمی‌توانم خانه‌ام را که در حال ریزش است، درست کنم."

روستائیان درباره حمام جلالک - براساس توضیح می‌دهند:

"جهاد سازندگی می‌خواست برایمان حمام

## دهقانان بیدارند،

### از مالکان بیزارند



مرکز قزوین، حامی امپریالیسم! با این شمار دهقانان مبارز منطقه سنجایی علیه

بزرگسالان و بقایای فئودالیسم و برای حفاظت از انقلاب در خیابانها رژه رفتند

مالکی و فئودال و به دستگیری و مجازات فئودالها تکیه خاص شده است.

خواست‌های بحق دهقانان در این قلمنامه شرح زیر تشریح شده است:

- محاکمه فئودالهای دستگیر شده و نیز دستگیری سایر فئودالهای منطقه، که جرمانه محرز است و ریشه کن کردن وابستگان رژیم سابق و قطع نفوذ آنها در منطقه،

- اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه در شورای انقلاب، که به نفع مستضعفین و به زیان مستکبرین است،

- سرکوبی شدید فئودالیون و عمال وابسته به پست عراق در نواحی مرزی و سایر نقاط کشور،

- اجتناب کشاورزی جهت رهایی کشاورزان وابستگی

- ایجاد راه‌ها و ساختمان مدارس،

- بسیج توده مردم علیه تجاوزات خارجی و عناصر فئودال داخلی،

- ما دهقانان آمادگی خود را در اجرای برنامه دوع از مرزهای کشور و مقابله با هرگونه توطئه داخلی بخصوص در ناحیه سنجایی اعلام می‌نماییم.

رامپیمایی باشکوه دهقانان منطقه سنجایی بعد از چند ساعت به پایان رسید. این رامپیمایی و خواست‌های دهقانان نشانه آنست که توده‌های زحمتکش روستایی ما بیدار و آگاه در جهت حفظ انقلاب کام بر می‌دارند. با اقدامات انقلابی در جهت تامین و تثبیت منافع زحمتکش روستائی

بیتران این نیروی عظیم را برای حفاظت از انقلاب تجزیه کرد.

زحمتکشان ما در انتظار اقدامات انقلابی در اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کمک به دهقانان بی‌دست هستند.

مبارزه بیکر علیه بزرگ مالکان و فئودالها در خدمت دهقانان و حفاظت از انقلاب است.

## دوفیلم از ...

بقیه از صفحه ۶ بدون رعایت صف، به جلوی باجه می‌رود و بی‌اعتنا به مردم زنده‌یوش درون صف، بلیط می‌خرد، دوربین دایمانی با یک حرکت سریع چهره در دست

چونچه را می‌نماید. این سبیه همان حرکتی است که در ابتدای فیلم، هنگام تیرباران چهار آزادیخواه، روی چهره آمریکایی دیده‌ایم. اگر در آن صحنه حرکت به منزله مصمم شدن آمریکایی بر انجام نقشه خائنانه‌اش بود، در اینجا نمایانگر بیروزی راه مردم در شخصیت چونچه است. او

آزادیخواهی را در نهایت بی‌باوری وی به آزادی و آزادیخواهی بای قطاری کند، و سپس با فریادهای "زنده باد بیکریک" در دالان بین دو قطار از صحنه دور می‌شود.

برداشت شخصیت چونچه و بحولات درونی‌اش بسیار دقیق و استادانه انجام گرفته است. ضمن این که بازی درخور تحسین و هنرمندانه جیان ماریا ولونه نیز در این برداشت نقش بسزایی دارد.

دایمانی به نقش مذهب در جنبش‌های آزادی بخش ملی نیز بدستی و قوف دارد. سانتو (کلوس کیسکی) برادر حوحو فردی است با عقاید مذهبی که تمام زندگی‌اش را وقف مبارزه بخاطر آزادی مکزیک کرده است. او در ابدان حوویس بعدی را مابیند است که حسی مسئولیت اعدام برادرش را، بخاطر خطائی که به فمب قتل عام مردم دهکده‌ای تمام شده است، خود به عهده می‌گیرد.

و اما فیلم "تاریختی علیه بانکیها". اس فلم، که مانند فلم قبلی از موریک دل‌انگر "اسیویورگوبه" برخوردار است، مساعده نه وسیله تحریف در دولت و ارسن رهن سوبدهای مطقی آن ربه صحنی ساسور، از محتوا بی‌سده است.

فلم بانانگر حوکیها و سمرکی‌های دولت و ارسن امریکا نسبت به شرح سوبدهاست. ولی آنچه در تهران به نمانس درآمده، فلمی است بخاری. که در سکل و مضمون ارحد فلم‌های هالیوودی فراموشی رود.

روز ۲۰ مردادماه ۵۹، یک راهپیمایی با شرکت دهقانان منطقه سنجایی (خودزده)، کوزران، بابان قاسم‌خون، بابان پاور عزیز، بنداز، شیخ مصطفی - قلیخون، جفاخان، یتران، چنگن و چندین روستای دیگر) برای پشتیبانی از عملیات مبارز دستگیری فئودالهای منطقه،

اسفرخان، شاه‌مراخان، محمدخان سنجایی و کریم‌صغیر، از میدان تاجگذاری سابق تا محل زندان دیزل آباد در شهر کرمانشاه برگزار گردید.

در این راهپیمایی گروه کبیری از دهقانان منطقه سنجایی با شعارهای خود از جمله:

دهقانان بیدارند، از مالکان بیزارند مالکان بی‌ایمان، همدستان پالیزبان

خمینی، خمینی حامی زحمتکشان آمریکا، مالکان دشمن مستضعفان خمینی، خمینی این مالکان که دیدی خون ما را می‌کشد، قلب ما را دریدند.

نهرت و از چار خود را از وجود مالکان بزرگ و فئودال بیان کردند.

دهقانان مبارز سنجایی سپس در محل تجمع خود یک میتینگ باشکوه برگزار و قطعنامه هشت ماده‌ای خود را قرائت کردند.

این قطعنامه زبان گویا و خواست توده‌های میلیونی زحمتکش روستائی است، که برای تداوم انقلاب و نبرد علیه امپریالیسم، به سرک کردن روابط ظالمانه بزرگ -

سازد، ولی از ما می‌خواست پول بنا و دیگر وسائل را، که حدود ۳۰ هزار تومان می‌شود، بپردازیم. و ما هم که چنین پولی نداریم، ناچاراً "از خیرش گذشتیم".

مضر علی، یکی از دهقانان بی‌زمین جلالک می‌گوید:

"مزمزمی برای کشت ندارم". می‌پرسیم: اگر به سما زمین بدهند، طفرید کشت کنید؟

او با حالتی آمیخته با ناراحتی می‌گوید:

"چرا حاضر نیستم؟ از خدا می‌خواهم". او ما را به طرف خانه‌هایی که از سکنه خالی شده‌اند، می‌برد و یک تک خانه‌ها را نشان می‌دهد و در آخر ما را به طرف حمام روستا می‌برد و می‌گوید:

"هر آن ممکنست حمام بر سرمان خراب شود". یکی از مشکلات اساسی روستائیان جلالک کمبود آب است. میدان می‌بیند و به ویژه آب برای کسب و کاری است. روستائیان معتقدند که در صورت کمک دولت و حفریک چاه عمیق، این مشکل تا حد زیادی برطرف می‌شود.

به هر کجای جلالک نگاه کنی، همه وهمه انسانان دخیانت رژیم شاه سابق هستند که میهن ما را به جولانگاه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، بدل کرده‌اند. وقتی از روستا خارج می‌شویم، هسسونز فریادهای زن، مرد، پیر و جوان جلالک در گوشمان زنگ می‌زند:

"آقا شما را به خدا وضع ما را بنویسید، آب نداریم، حمام نداریم، درمانگاه نداریم و ده"

مسکل کمبود آب را، که کربیبانکبر روستا - های کشورمان است، می‌توان و باید حل کرد. دولت فاسد است، با حفراهای عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موزوهای آب به روستائیان در این زمسه آنها را باری کند. حل این معطل حیاتی، در اسرابط که ما احتیاج به سولیدسنسردرا جورکسا ورزی داریم، فوری، ضروری و سوسمد به حال انقلاب است.

همچنین با اجرا کردن طرح اصلاحات ارضی و سرآوردن دیکر خواستهای روستایی دهقانان رخمسکر، ما را بر سر راهیج و مملکت را اردوس آنرا باید سرد است. هیئت‌های ۲ نفری با دهرجه سرعسرونا طعنه عملکند و سوسیال - کان واقعی دهقانان به دست در آن عسوسب داسه ساسد.

### خدمات پزشکی و اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان

در جمهوری دموکراتیک آلمان انتظار عمر مردان ۹۰ سال و برای زنان ۷۴/۸ سال است. در این کشور شماره مرگ نوزادان از ۳۸/۸ در هزار در سال ۱۳۳۹ به ۱۳/۱ در هزار در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت.

امروزه ۳۷۸۸ بیمارستان و مراکز درمانی آلمان خدمات پزشکی و درمانی و مداوای ۵/۵ میلیون زحمتکش یعنی دوسوم سکنه آن کشور را بعهده دارند. در سال ۱۳۵۷، ۳۳۵۹ بخش پزشکی و پرستاری، ۳۲۰ درمانگاه و ۱۱۶ بلی کلینیک در مراکز درمانی و موسسات دایر

### درجهان سوسیالیسم

۷۷۷ پزشک متخصص و ۲۹۰۰ بازرسی بهداشتی کار و ۴۴۰ در ستاس علوم طبیعی در زمینه مشورت درباره بهداشت کار و نظارت بر آن به انجام وظیفه مشغولند.

بودجه بهداشتی و خدمات اجتماعی جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۳۵۷، ۸/۹ میلیارد مارک بود. در این زمینه، خدمات پزشکی و اجتماعی، نه نوزادان از آنها بهره‌مند می‌شوند، مقامی بر ویژه‌حائز است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در اینباره بدست میدهد:

#### هزینه بیمه اجتماعی مادر (میلیون مارک)

سال	کم هزینه به زنان باردار	کم هزینه زایمان	کم هزینه کودکان	کم هزینه بدون مه‌کودک مادران صاحب دو کودک به‌بالا پس از مرخصی زایمان
۱۳۴۹	۲۱۶/۴	۱۳۲/۵	۱۱/۴	-
۱۳۵۴	۲۹۵/۶	۱۶۸/۹	۳۲/۲	-
۱۳۵۵	۳۹۷/۵	۱۸۱/۹	۳۹/۲	۴۴/۸
۱۳۵۶	۲۶۸/۲	۲۰۶/۱	۴۲/۰	۱۵۴/۸
۱۳۵۷	۶۲۵/۵	۲۱۷/۳	۵۲/۷	۲۲۲/۸

### باسر خپوستان در کانادامثل برده رفتار میشود

نود درصد ۱۶ هزار کارگر روستایی ایالت «بریتیش کلمبیا» واقع در غرب کانادا، سرخپوست و اکثر آنها زن هستند. بگفته راج‌چوگان، رئیس «سندیکای کارگران روستایی کانادا»، با نامبردگان «مثل برده رفتار میشود». وی اضافه کرد که این سرخپوستان «از هرگونه بیمه اجتماعی و بهداشتی محرومند و دستمزد آنها کفایت معیشت خود و خانواده‌هایشان را نمیدهد».

کارگران روستایی سرخپوست تا ۱۶ ساعت در مزارع کرم‌کنند و دستمزدی که دریافت میدارند، تنها بحدی است که آنها را زنده نگاهدارد. کودکان آنها نیز که از هفت سالگی بکار گماشته میشوند، هیچگونه دستمزدی دریافت نمی‌دارند.

کارگران روستایی سرخپوست اغلب مجبورند

### درجهان سرمایه‌داری

مسافت زیادی را از خانه به مزارع بیمایند و مخارج سنگین ایاب و ذهاب را از محل درآمد ناچیز خود متحمل کردند. بسیاری از آنها درازای اجاره یک اتاق کوچک، بمساحت ۷/۵ مترمربع، اغلب ماهانه ۲۰۰ دلار کانادایی می‌پردازند. اینگونه «خانه‌ها» نه بخاری و تهویه دارد و نه وسائل بهداشتی.

تاکنون مقررات و قوانینی برای دفاع از حقوق و منافع کارگران سرخپوست در کانادا وجود نداشته است. کارگران روستایی سرخپوست برای پیشبرد منافع صنفی خود هرچه بیشتر در «سندیکای کارگران روستایی کانادا» متشکل می‌شوند. که دومه‌پیش تأسیس یافت، هرچند اینگونه افراد اغلب با تهدید بمرک و روبرو می‌گردند، سندیکای نامبرده عملاً شون ۳۰۰ عضو دارد.

**اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترک است**

### تسکیدی بسر «دست گشای استعمار» و «ترینیتی علیه یانکی‌ها»، ساخته دامیانو دامیانی

بارس جنبش‌های آزادیبخش ملی و نهضت‌های کارگری و کمونیستی در سراسر جهان، سینماگران بسیاری نیز در کشورهای سرمایه‌داری به عقاید دموکراتیک و مترقی روی آوردند. آنها روز به روز به آرمانها و مبارزه «طبقه» کارگر نزدیک تر میشوند و درآبارسان بیش از پیش فجایع هستی سوز نظام منحط سرمایه‌داری را به تصویر می‌کشند.

دامیانو دامیانی، هنرمند برجسته ایتالیایی، نیز در زمره همین سینماگران است. در کشور او سینماگران بسیاری هنر خود را در راستای مبارزه، منافع و امیدهای زحمتکش قرار داده‌اند، که از آن جمله‌اند: فرانچسکو رزی، آلویتری، جولیانو موتالدو و جیلویونته گوروو.

دامیانی در مقابل مسائل حاد و برونج عصرا، که محتوایش گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، نه تنها بی‌تفاوت نیست، بلکه با احساس مسئولیت عمیق و رشار از اندیشه‌های صلح‌جویانه و انسان دوستانه، در عرصه هنر خود، فعالانه در کار مبارزه با زشتیها و پلیدی‌ها و افسانه‌های هزارتوی نیرنگ‌های سرمایه‌داری است.

دامیانی به درستی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را دشمن تمام بشریت تشخیص داده و در همه فیلم‌هایش، واقعیات شوم عمل‌کردهای این دشمن مکار و تجاوزکار را در ارتباط با سایر کشورها، خلق‌های تحت ستم و سازمان‌هایی نظیر «سیا» و «افبا»... می‌نمایاند.

دامیانی بخاطر پیوند بانوده‌ها و رساندن پیامش به آنها، شیوه خاصی را برگزیده است. امروزه فیلم‌های تجاری، با ظاهری خوش‌آب و رنگ و برهیجان و مضمونی عمیقاً ارتجاعی و ضد انسانی و امپریالیسم بسند، وسیله مهم مسموم ساختن افکار توده‌ها تماشاگران سینماست.

دامیانی باتوجه به این مسئله، پیام‌های مترقی و آگاهی‌دهنده خود را در غالب همین سینما، به میان تماشاگران می‌برد. او در فیلم‌هایش از موضوع‌های رایج در سینمای غرب سودمی‌جوید، ولی محتوایی غنی و ناباشته از روح مبارزه با ریشم‌های فساد و بدبختی انسان‌ها را ارائه می‌دهد.

شیوه محبوب دامیانی نه تنها دشواری‌هایی دارد، بلکه خطر غرق شدن در سینمای تجارتنی را نیز به همراه خود یدک می‌کشد، که البته دامیانی تا امروز از این خطر مضمون مانده و بردشواری‌ها فائق آمده است.

فیلم‌های «دست گشای استعمار» و «ترینیتی علیه یانکی‌ها» از این کارگردان، هم‌اکنون بر برده است، که به ترتیب به بررسی آنها می‌پردازیم. چهارمرد با گام‌های استوار و چهره‌هایی جسور در حرکتند. گویی به وعده‌گاه امید می‌روند. در کنار دیواری می‌ایستند. دوتن از آنها یکدیگر را در آغوش می‌گیرند و در فریاد دیگری که می‌گوید:

لاهوئی و باسگاه قطور و غیره، گوشه دیگری از نقشه‌های هرج و مرج افکن و در عین حال احمقانه و مایوسانه عمال امپریالیسم و ضدانقلاب را نشان می‌دهد. اینهاست نمونه‌های مشخصی از شرکده‌های ضدانقلاب.

مطابق بیان نه مورد از اقدامات ضدانقلاب کوشیدیم خواننده را بیاد حوادثی بیاندازیم که در ماههای پراشوب، بردغدغه و ناآرام گذشته در ایران روی داده است و این رشته کماکان سردراز دارد.

هرکس این کارنامه‌سپاه ضدانقلابی را (که البته بسیار ناقص است) از نظر بگذراند، هم به ماهیت امپریالیسم و عمال ایرانی، هم به نیروی واقعی انقلاب و همدس، هم به منشاء دشواری‌های موجود بهتری می‌برد و ستمی‌تواند تفاوت کند.

عیب کار اینجاست که ارکانهای تبلیغاتی انقلاب در زمینه «اساء» تحلیل، ارائه مدارک و اسناد و آثارها و سان اسدلالات، ناکافی و ضعیف عمل می‌کنند و به صدها سؤال، که برای مردم مطرح است، پاسخ نمی‌دهند.

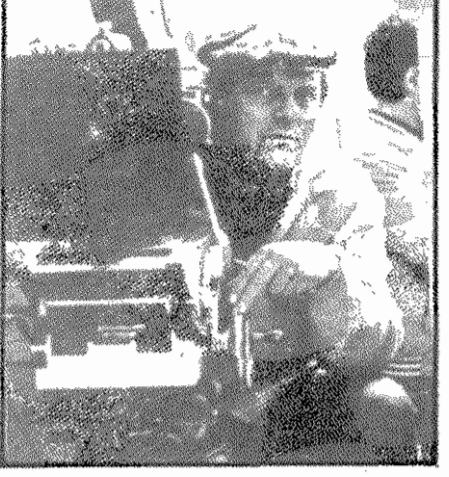
بسیاری از افرادی که در دام تبلیغات ضد-انقلابی می‌افتند، سوئیت‌ندارند و قابل‌راهنمایی و اقتناع هستند و باید به آنها در درک درست مسائل کمک کرد.

جا دارد که مطبوعات انقلابی و ارگانهای تبلیغاتی رژیم، با وسایل فراوانی که دارند، در جهت رسواسازی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، رژیم گذشته، ضدانقلاب کنونی و توضیح مسائل و رفع مشکلات و تردیدها گام‌های جدی بردارند.

بررسی کارنامه ضدانقلاب این امید را تقویت می‌کند که انقلاب ما بتواند بر مشکلات آتی، که به هیچ‌وجه کوچکتر از مشکلات گذشته نخواهند بود، نیز غلبه کنند، بویژه که اکنون دولت انقلابی و نهادهای آن شکل گرفته است و انقلاب بمراتب از سابق متشکل تر و آزموه‌تر است.

## هنر

### دوفیلم از یک کارگردان



«خون‌های ما درخت آزادی مکزیک را آبیاری خواهد کرد. زنده باد مکزیک»، زن‌هایی، بیرو جوان، سرهاشان را از زمین میله‌هایی بدرمی‌آورند و با جیغ و فریاد با آنها همدردی می‌کنند. چهارمرد را تیرباران می‌کنند.

در این صحنه، هنگامی که تفنگ‌ها به روی سینه آزادی‌خواهان نشانه می‌رود، مردی با دویای قطع شده، با کشیدن خود بر روی زمین، حرکت می‌کند. ادغام این دو عمل بیان‌هنرمندانه ایست از شرایط حاکم: اگرچه آزادی‌خواهان در قربان‌گاه منافع استعمار اعدام می‌شوند، ولی حرکت مرد بدون یا نشان از بقا و ادامه حرکت جنبش آزادی خواهی می‌دهد.

پس از تیرباران، دوربین با حرکت سریع، چهره مردی آمریکایی را می‌نمایاند که، خون‌سردانه به صحنه می‌نگرد. بدینگونه فیلم «دست گشای استعمار» شروع می‌شود. مضمون این صحنه را دامیانی در سراسر فیلم می‌پرواند.

دهه دوم قرن بیستم است. امپریالیسم آمریکا با قدرت تمام گلوی مردم مکزیک را- بسان سایر کشورهای تحت سلطه خود- زیر یوغ «سرمایه» می‌فشارد. جنبش‌های انقلابی سراسر کشور را گرفته است. امپریالیسم آمریکا ضمن تجهیز و تقویت همه‌جانبه مزدوران چکمه‌پوش و ستاره بر دوش مکزیک، یکی از ماموران «خبره» خود را برای قتل رهبر آزادی خواهان به مکزیک اعزام می‌دارد. گروه‌هایی از راهزن‌ها با سرقت اسلحه‌های دولتی و فروش آنها به انقلابیون، هم بولی به جنگ می‌آورند و هم تلویحا به انقلاب یاری می‌رسانند.

آنچه بیش از این به فیلم عنا می‌بخشد، نمایش هنرمندانه نقش حیل‌گرانه امپریالیسم جنایت‌کار آمریکا، در سرکوب جنبش‌های انقلابی است، که گوشه‌ای از آن در شخصیت مرد آمریکایی (لوکاستل) فیلم نهفته است. او بنا به تقاضای دولت مکزیک، از طریق سفارت آمریکا به این کشور اعزام شده است، تا «گره» کور دولت‌دست‌نشانده آن را بگشاید. و سرانجام مبلغ هنگفتی از دسترنج زحمتکش این کشور را به عنوان دستمزد عمل جنایت کارانه خویش به یفا برد.

دامیانی بی‌باکی ادعاهای بوشالی امپریالیسم آمریکا نظیر «عدم دخالت در امور دیگر کشورها» را به خوبی تصویر می‌کند و از ماهیت جنایت‌کارانه و مداخله‌گر آن برده می‌درد.

آن چوچو (جیان ماریا ولونته) راهزنی است که در درون خویش با دوجریان در نبرد است. یکی عشق به مردم و کمک به انقلابیون و دیگری عشق به پول. بی‌شک این دو در یک مدت طولانی نمیتوانند در کنار هم بمانند.

دامیانی بخوبی نبرد این دوجریان را در حالات و روحیات چوچو بررسی می‌کند. چوچو به تجربه درمی‌یابد که مزدوران دولتی، برای حفظ منافع خود، حتی برای اهرم‌های حکومتی هم ارزش قائل نیستند و از کشتن همدیگان خود نیز آباایی ندارند: صحنه‌ای از گروه‌بان به لکوموتور، بخاطر خارج کردن اسلحه‌ها از دست سارقین، دستور حرکت می‌دهد، در حالیکه یک‌سروان به ریل مصلوب شده است.

چوچو می‌بیند که چطور دولت دست‌نشانده برای ارتشیان مزدور وسایل عیث و عسرت مهیا می‌کند و از فتودلهای غاصب حمایت مردم دهکده‌ای را که با فتودالی درافتاده‌اند، قتل‌عام می‌کند.

ولی برق سکه‌های طلا هم او را راه نمی‌سازد. چوچو به منظور انتقام از مرد آمریکایی به محل اقامت او می‌رود. اما برق سکه‌ها جشانس را کور می‌کند و مسحور می‌شود. هنگامی که آمریکایی، یقه در صحنه

## ضد انقلاب...

یقه از صفحه ۳

۸) امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی و ضد-انقلابی داخل کشور برای فلج کردن اقتصاد ایران ایجاد کسود یا قحط محصولات صنعتی و کشاورزی، تشدید آهنگ رشد تورم، تشدید گرانی طلاقت-فرسای کالاهای مصرف عمومی (و از این راه افزایش حاد ناخرسندی عمومی) ساعی عدیبه‌های بکار بردند و می‌برند.

در جریان خود انقلاب، چنانکه افشاء‌گری کارمندان بانک بر ملا ساخت، دهها میلیارد دلار نروت کشور به صورت ارز خارج گردید و این امر خود زبان سنگینی به اقتصاد کشور وارد ساخت و برعکس جیب فراخ بانکهای امپریالیستی را از ذخایر عظیمی انباشت. پس از انقلاب، مقادیر عظیمی ارز، جواهر، طلا و نقره، کالاهای گرانبها و کم نظیر با سرعت عجیبی از انواع مرزهای زمینی و هوایی کشور خارج گردید. مسامحه دولت موقت و تسهیلاتی که فراهم می‌سده، این جریان را جند برابر تشدید کرده است.

خروج ارز و طلا و نقره و جواهر و کالاهای قیمتی با وارد ساختن دهها و صدها میلیون اسکناس به بازار ایران، به قصد بی‌بها ساختن ریال، همراه بوده است و با آنکه در گمرک‌های ایران دهها میلیون ریال از این اسکناس‌های وارداتی ضبط شده، کسی نمی‌داند که مبلغ وارد شده‌ها ببازار ایران (که مسلماً چندین برابر مبلغ ضبط شده است) به چه میزان هنگفت و سرگیجه آوری می‌رسد.

ضد انقلاب به کمک عمال عیان و نهان و افزارهای آگاه و ناآگاه خود، تحت عناوین مختلف از آنحمله عناوین انقلابی، موج وسیعی از تخصنها، اعتدات-کم‌کاریها، در موسسات

# کامیابیهای نظام سوسیالیستی در لهستان

در سال ۱۳۴۰ است. تنها در ده سال پیش دستمزدهای واقعی در آن کشور ۵۰ درصد افزایش پذیرفت.

\* در ده سال گذشته بیش از ۴۵۰ کارخانه جدید در شاخه‌های کلیدی لهستان ایجاد گردیده و موسسات صنعتی بیشتری تاسیس شده است.

\* از آغاز بنیان‌گذاری جمهوری توده‌ای لهستان تاکنون بیش از ۱٫۱ میلیون نفر دختر و پسر از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند (۶۳۰ هزار نفر آنها در دهه اخیر). شماره دانشجویان لهستان به نسبت هر ده هزار شهروند آن کشور ۱۳۸ است.

\* در ده سال گذشته، ۲٫۷ میلیون خانه جدید در لهستان ساخته شده‌است. بدین ترتیب یک چهارم جمعیت لهستان در این مدت صاحب‌خانه شده‌اند. شماره خانه‌های نوساز از ۲۴ هزار در سال ۱۳۲۰ به ۸۳ هزار در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و بدین ترتیب از رقم مشابه در اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، از جمله آمریکا، سوئد، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایتالیا، بیشتر است.

\* هزینه خدمات اجتماعی در لهستان در چهار سال پیش ۱۹۵ میلیارد زلوتی بود، که در پنج سال آینده به ۲۶۰-۲۴۰ میلیارد زلوتی افزایش خواهد یافت.

\* در سی سال گذشته شماره پزشکان لهستان به نسبت هر ده هزار شهروند از ۶٫۶ به ۲۳٫۳ رسید.

بنابراین پیروزیهای اقتصادی - اجتماعی لهستان سوسیالیستی در دهه‌های گذشته چنان چشمگیر و درخشان بوده‌است که، تنها مغرضان می‌توانند، برخی از دشواریهای کنونی و موقت را بهانه گیرند و همه دستاوردهای جمهوری توده‌ای لهستان را زیر سؤال قرار دهند. نه، قصد آنها فقط آنست که بیاری برخی «گروهک‌های غیرمسئول، هرج و مرج طلب و ضد سوسیالیست» و با پراکنیدن احساسات ناسوسیالیستی، بخيال خود لهستان سوسیالیستی را از درون منجر سازند. زهی‌بندار باطل! چه، همانگونه که ادوارد گریک خاطر نشان ساخت:

«وظیفه ماست که در نهایت قاطعیت اعلام داریم که هیچگونه اقدام ضد نظام سیاسی و آرامش عمومی لهستان را تحمل نمی‌کنیم و نمیتوانیم کرد. در مورد مسائل اصولی، انتظار هرگونه سازش، مصالحه و حتی تردید بی‌جاست... نظام سوسیالیستی را نمیتوان از منافع ملی لهستان جدا بحساب آورد. لهستان، برای آنکه آزاد و مستقل و مرزهای آن از تجاوز مصون بماند، باید نظام سوسیالیستی خود را حفظ کند. نظام سوسیالیستی لهستان دارای اهمیت بین‌المللی است و یکی از عوامل کلیدی نظامی است، که پس از جنگ دوم جهانی در اروپا شکل گرفته است.»

امیر یالیستاها بی‌پرده تلاش میکنند، که خلق‌ها را از راه سوسیالیسم، یگانه‌راه آزاد زیستی و بهروزی راستین بشریت، بازدارند. هر چند که، راه پیشاهنگان تحقق این آرزوی والا و دیرینه انسانها، دشوار و پر پیچ و خم باشد.

در خاورمیانه بیاری خائنانی چون سادات و تسویق-سپینوسیستی‌های اسرائیلی با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خلق‌های عرب، بویژه مردم فلسطین، به رویارویی می‌پردازند. در خود ایران ما شب و روز به توطئه‌پردازی مشغولند، اینک میخواهند، این نقشه شنیج آفرینانه و خطرناک، خویش را بخيال خام خود به یک کشور سوسیالیستی، یعنی لهستان هم بکشند. اما کافی است که این کوته‌بینان و فراوشکاران لحظه‌ای به دسیسه‌های همانند خود در جمهوری دموکراتیک آلمان، مجارستان، چکسلواکی و همین لهستان در دوران گذشته بیاندیشند، تا شاید از ناکامی‌های گذشته درس واقع‌بینی بگیرند.

هدف دوم امیر یالیستاها از «هستیگی» با زحمتکشان لهستان و «دفاع» از حقوق آنها آنست که، افکار عمومی را از بحران عمیق اقتصادی که باردیگر دامنگیر جهان سرمایه‌داری شده و در زحمتکشان «خود» آنها خشم و اعتراض گسترده برانگیخته است، منحرف سازند.

آنگون یکبارگی و تورم در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته پدید می‌آید. در کشورهای «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، که بیست و چهار کشور سرمایه‌داری جهان را دربر میگیرد، اینک ۱۸۹۰۰۰۰۰ نفر بیکارند. در ایالات متحده آمریکا و جامعه اروپا به ترتیب ۷۳۰۰۰۰۰ و ۶۵۵۰۰۰۰ تن در جستجوی کارند. در بریتانیا ۱۵۲۳۰۰۰ نفر، در ایتالیا ۱۸۸۰۰۰۰ نفر، در فرانسه ۱۴۴۰۰۰۰ نفر و در جمهوری فدرال آلمان ۸۲۵۰۰۰۰ نفر، از یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق کار محروم هستند. به پیش‌بینی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شماره بیکاران بیست و چهار کشور عضو آن، تا چهار ماه دیگر به ۲۰٫۱۵ میلیون خواهد رسید و بدین ترتیب رکورد جدیدی بجای خواهد گذاشت. تنها در فرانسه، آمریکا و بریتانیا نرخ تورم به ترتیب ۱۵ درصد، ۲۰ درصد و ۲۱٫۸ درصد است. پیش‌بینی میشود که در «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، در سال جاری فرآورده اجتماعی ناویژه یک درصد کاهش یابد. این رقم (منفی) برای آمریکا چهار، برای آلمان غربی ۱٫۲۵، برای بریتانیا ۵٫۶ و برای ایتالیا ۲٫۷۵ خواهد بود.

از سوی دیگر، همین لهستان، که آنگون کشورهای غربی را کرانه سنگین را به سینه می‌زنند و پیش از انقلاب و استقرار حکومت کارگری، یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای اروپا بشمار میرفت، درست در پرتو نظام سوسیالیستی بوده، که در ۳۷ سال گذشته، در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، بویژه در گستره اقتصادی - اجتماعی به دستاوردهایی بس شگرف دست یافته‌است. در اینجا فقط به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

\* لهستان، در حالیکه ۱۸٫۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل میدهد، اینک ۲٫۲ درصد تولید جهان را بعهده دارد. تولید صنعتی این کشور در سی سال پیش، بیش از ۶٫۵ برابر شده‌است.

\* در سالهای ۱۳۲۹-۵۷ درآمد ملی سرانه در لهستان ۴۹ برابر گردید. دستمزدهای زحمتکشان لهستان اینک دوبرابر پیکره مشابه

خبرگزاریها و رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی ایتروها با اب و تاب فراوان درباره رویدادهای لهستان گزارش میدهند. این گزارشها اغلب چنان صافانه آمیز است، که انسان را بباد دروغهای رسوای «افغانی» آنها می‌اندازد.

اگر به مابیت دروغ‌پرداز و تحریک‌انگیز این بلندگوهای منفع‌جبار لکرانه امپریالیست‌ها آشنا نبودیم، باورمان می‌شد که نه تنها رژیم گریک در آستانه سقوط است (!)، بلکه خانواده کشورهای سوسیالیستی را هم «خطر فروپاشی تهدید میکند (!)».

بدبختانه برخی از رسانه‌های گروهی ایران هم، که ظاهراً از سمبانی‌های همین منابع «خبری» و خبرگزاریهای اجیر علیه انقلاب ایران درس نگرفته‌اند، عین این اخبار گزاف‌گویانه و تحریفی را بخورد خوانند. شونده و بیننده ایرانی میدهند و بازم از دهانک‌های شوروی درشور (!)، سخن می‌گویند.

شکی نیست که بارهای دشواریهای اقتصادی به بروز ناآرامیهای در برخی از نقاط لهستان منجر شده است، که عناصر مشکوک آنها دامین می‌زنند. انگیزه این دشواریها را، چنانکه ادوارد گریک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در نطق رادیو تلویزیونی ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ خود یاد آور شد، فزون بر عوامل عینی فراوان، در بعضی از اشتباهات سیاست اقتصادی باید جستجو کرد.

ادوارد گریک، نه تنها بر خورد انتقادی حزب متحد کارگری لهستان را درباره مسائل جاری بصراحت بیان داشت، بلکه امکان و آمادگی حزب را برای جبرگی بر آنها متذکر گشت.

ادوارد گریک گفت: «ما امکانات ادوارد گریک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب بزرگی تدابیر لازم را در اینباره اتخاذ خواهد کرد.

اما آنهایی که آنگون باردیگر میخواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و از رویدادهای لهستان برای پیشبرد مقاصد پلید خود استفاده جویند، اسلادلشان بحال زحمتکشان لهستان نسوخه‌است. امیر یالیسم و ارتجاع جهانی در این کارزار تبلیغاتی مزورانه هدفیای چندگانه را دنبال میکنند:

لهستان فرصتی است دیگر برای پروژنیسمی‌ها، برای پیشبرد تاکتیک جهانشمول کنونی و خطرناک امپریالیسم آمریکا، مبنی بر تنش‌فزایی همه‌جانبه در همه گستره‌ها و در سراسر جهان، آنهایی که در قاره آمریکا برای شکست انقلاب‌های گویا و نیکارگو و مقابله با جنبش‌های انقلابی آمریکای لاتین و دریای کارائیب به دسیسه‌های وسیع نظامی و سیاسی دست می‌زنند، در آفریقا نژادپرستان آفریقایی‌جنوبی را به سرکوبگری خلق خویش و تجاوز علیه رژیم‌های مترقی آفریقا تسویق میکنند، در خاور دور بکمک هژیم‌ان چینی خود و دیگر کشورهای دست‌نشانده‌شان ویتنام، کامبوجیا و لائوس را تحت فشار قرار میدهند،

## «جبهه ملی مترقی» سوریه را بشناسیم

جبهه ملی مترقی سوریه (به عربی: جبهه الوطنیه التقدمیه)، که هشت سال پیش تاسیس یافت، یکی از دستاوردهای مهم جمهوری عربی سوریه بشمار میرود. این جبهه، که نخست از حزب بعث، حزب کمونیست سوریه، جنبش سوسیالیست‌های عرب، اتحادیه سوسیالیستی عرب و سوسیالیستهای متحد، تشکیل میشد، از بهار اسامال همچنین فدراسیون سندیکاهای کارگری را دربر میگیرد. حافظ الاسد، رئیس جمهوری سوریه، ریاست جبهه ملی مترقی را بعهده دارد.

بموجب منشور و آئین‌نامه جبهه ملی مترقی، مهم‌ترین وظایف این سازمان عبارتست از: تحکیم و گسترش پایه‌های توده‌ای اجتماعی و سیاسی حکومت؛ بررسی مسائل مربوط به صلح و جنگ؛ بحث درباره فعالیت‌های مشخص دولت، بویژه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی.

بدینسان، جبهه ملی مترقی، از یکسو انقلابی است از سازمانهای ملی و ضد امپریالیست، و از سوی دیگر یکسو از قدرت حکومتی.

در انتخابات اخیر «شورای خلق» (پارلمان) سوریه، جبهه ملی مترقی لیستی از ۱۹۵ نامزد مشترک خود را به مردم معرفی کرد، که ۱۴۴ تن آنها انتخاب شدند.

امپریالیسم و ارتجاع تلاش میکنند، تا با «تبیات‌زدائی» در داخل سوریه، رژیم آن کشور را از منی قاطع ضد امپریالیستی‌اش بازدارند از ایترو، در حدود یکسال پیش، جبهه ملی مترقی سوریه برنامه جامعی از اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تدوین کرد که، هدف آن بهبود وضع اقتصادی، شرایط زندگی زحمتکشان و کار دستگاه دولتی است. همچنین قرار است که فعالیت «شورای خلق» و ارکانهای اداری محلی گسترش یابد و توده مردم هر چه بیشتر در حل مسائل اجتماعی مشارکت کنند.

### در آستانه انتخابات پارلمانی پرتغال، اوضاع داخلی این کشور روبه‌وخامت می‌رود

در حالیکه مدت زیادی به انتخابات پارلمانی پرتغال نمانده است، اوضاع داخلی این کشور روز به روز خیم‌تر میشود. عواملی مانند عدم رضایت گسترده قشرهای وسیع خلق از دولت، وخامت روزافزون روابط میان دولت دست‌راستی و احزاب دموکراتیک و افزایش هزینه زندگی و تورم فزاینده و بیکاری بروخامت اوضاع دامن می‌زند.

از سوی دیگر ساکارنیو نخست‌وزیر دست‌راستی پرتغال، بسا یک رسوائی بزرگ مالی روپرو شده است. اعلام شده‌است که ساکارنیو از مقام خود سوء استفاده کرده و مبالغ هنگفتی به بانکهای ملی شده کشور بدهکار است.

احزاب کمونیست و سوسیالیست ضمن اشاره به جزئیات این رسوائی، خواهان تحقیقات ویژه پارلمانی شده‌اند.

## سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان ضد انقلابیون افغانی در کابل بمرض تماشا گذاشته شده است

ژنرال محمد رفیع، وزیر دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان، اراجیف روزنامه دست‌راستی دلی-تلگراف را مبنی بر اینکه گویا «شورشیان» شهر هرات را کنترل میکنند، بی‌اساس خواند و این گزارش را بباد تمسخر گرفت.

وزیر دفاع افغانستان گفت که اکاذیب دستگاههای تبلیغاتی و خبرگزاری‌های غربی آنگون کاملاً رسوا شده‌است و خبرنگاران خارجی میتوانند شخصاً بی‌اساس بودن این اراجیف را مشاهده کنند.

وزیر دفاع افغانستان گفت که سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان، که از ضدانقلابیون بدست آمده‌است، در کابل بمرض تماشا گذاشته شده است.

## امریکا پرغم هیاهوی توخالی درباره حقوق، بهمیچیک از قراردادهای مربوط به حقوق بشر نیپوسته است

اجلاس چهارهفته‌ای کمیته فرعی جلوگیری از تبعیض‌نژادی و حفظ حقوق اقلیت‌های ملی، که یکی از ارکانهای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است، در ژنو کار خود را آغاز کرد.

۲۶ کارشناس از کشورهای مختلف جهان از جمله نئقش‌فاحش حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، عرب بوسیله صهیونیست‌ها، نئقش آزادی‌ها و حقوق بشر در شیلی و دیگر کشورهای دیکتاتورز را مورد بررسی قرار خواهند داد. بویژه به مسئله سرکوب سیاه‌ان: آپارتاید در آفریقای جنوبی توجه خواهد شد.

این اجلاس وظیفه دارد که راه‌های بسیج افکار عمومی جوبین رانسیست به پدید آمده‌های شرم‌آوری چون بیهوشی جنایتکارانه از کار کودکان و کارگران مهاجر را، که در بسیاری از کشورها از هیچگونه حقوقی برخوردار نیستند، مورد بررسی قرار دهد و کشورها را تسویق کند که به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مهم، مانند میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و کنوانسیون بین‌المللی امحاء تمام اشکال تبعیض نژادی ملحق شوند.

این واقعیت جلب توجه میکند که آمریکا پرغم هیاهوی توخالی درباره حقوق بشر به هیچ‌یک از این قراردادهای نیپوسته است.



### «حزب همکراتیک ملی پاکستان» رژیم ضیاءالحق را محکوم کرد

حزب دموکراتیک ملی پاکستان با انتشار بیانیه‌ای شدیداً رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده ضیاءالحق را بباد حمله گرفت و اعلام کرد که حضور پاندهای ضدانقلابی افغانی در پاکستان برخلاف منافع ملی کشور است. این حزب در بیانیه خود اضافه کرد که رژیم ضیاءالحق تلاش دارد بپسرمانه تحت نام مقدس اسلام دموکراسی را در کشور نابود کند، در حالیکه اقدامهای رژیم ضیاءالحق کاملاً با اسلام مغایرت دارد.

## پیام رهبران اتحاد شوروی بهمناسبت سی و ششمین سالگرد آزادی رومانی

لئونید برژنف و الکسی کاسیگین، بهمناسبت سی و ششمین سالگرد آزادی کشور رومانی از یوغ فاشیسم، پیامی برای رهبران این کشور ارسال داشتند.

در پیام گفته شده است که حزب کمونیست و دولت شوروی پیگیرانه مسیر تحکیم وحدت و همبستگی کشورهای جامعه سوسیالیستی و همکاری آنها در صحنه بین‌المللی را تقویت و قاطعانه در راه گسترش و تحکیم روابط دوستانه همه‌جانبه با جمهوری سوسیالیستی رومانی تلاش می‌کنند.

در پیام اضافه میشود که عمیقاً شدن همکاری میان کشورهای سوسیالیستی در گستره‌های اقتصادی و دفاعی و دیگر گستره‌ها، فعالیت‌های سازمانهای مشترک - پیمان ورشو و شورای همکاری اقتصادی، در خدمت آرمان صلح و ترقی است و نمونه بارز آن برنامه روشن و سازنده در راه آزیمان بردن کانون‌های تشنج در جهان است.

رهبران اتحاد شوروی در پیام خود به رهبران رومانی تاکید کردند که توسعه هرچه بیشتر روابط دوستانه و همکاری همه‌جانبه میان دو کشور، براساس اصول مارکسیسم-لنینیسم و ائترناسیونالیسم پرولتری، پانافع مردم دو کشور، جامعه سوسیالیستی و آرمان صلح و سوسیالیسم مطابقت دارد.

**با اتحاد شوروی از موضع قدرت نمیتوان سخن گفت**

روزنامه ایتروتیاد درباره استراتژی جدید هسته‌ای آمریکا نوشت:

اتحاد شوروی هرگز اجازه نمیدهد و در آینده نیز اجازه نخواهد داد که با آن از موضع قدرت صحبت شود، و هرگونه تلاش برای بدست آوردن برتری نظامی نسبت به اتحاد شوروی محکوم به شکست است.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

### آغاز محاکمه متهمان فاجعه سینمار کس

سرانجام پس از مدت‌ها، که از تقاضای گروههای مختلف مردم مبنی بر محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست و حاکمیت شرع حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، در محل سینما نفت آغاز شد.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز نیز هست، در اولین جلسه دادگاه از جمله، در مورد توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس تقیبه دادستان انقلاب، کثیرخواست تنظیمی علیه متهمین را قرائت کرد.

لازم به تذکر است که از ۳۲ متهم احضار شده به دادگاه، تنها ۲۶ نفر در دادگاه حاضر بودند و محاکمه ۶ نفر دیگر بصورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ما ضمن ابراز خرسندی از تشکیل دادگاه انقلاب برای بررسی این جنایت هولناک، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی با قاطعیت و جدیت در کشف جزئیات این حادثه شوم و مجازات مسببین آن اقدام کنند و بدیترتیب بار دیگر نشان دهند که دادگاههای انقلاب تبلور ختم توده‌ها علیه جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکای جهانخواه هستند. محاکمه و مجازات سریع این‌چنان پاسخ مثبتی به خواست مردم انقلابی ایران و مخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهد بود.

### محدود ساختن...

ول با تاسف باید گفت که، علیرغم اعلامیه داستانی کل کشور، یورش به مراکز حزب توده ایران در شهرستانها نه تنها ادامه یافت بلکه تصمیمات غیرقانونی درباره مشروعیت فعالیت حزب از سوی برخی مراجع اتخاذ گردید. دادرسی انقلاب اسلامی در آبادان و خرمشهر، اخیرا با وارد آوردن اتهامات بی‌اساس، پیش خود تصمیم گرفته است، تا فعالیت حزب توده ایران را در این دو شهر «منوع» اعلام کند.

موج مخالفتی که علیه حزب توده ایران برخاسته، بی‌شک در پشت سر خود دست امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست‌برورده‌اش را دارد. ولی نمیتوان کتمان کرد که، برخی عناصر ناآگاه و متعصب نیز به این موج در غلطیده و به دام افتاده‌اند، که دشمن تعبیه کرده است.

هشدار ما به اینگونه عناصر است، که خود را وفادار به انقلاب و پیرو خط امام میدانند، اما با رفتار و عمل خود آب به آسیاب دشمن میریزند. بلندگویان آشکار امپریالیسم، چون بختیار و نریمان، با کین و خصومت حیوانی از حزب توده ایران سخن میگویند و خط و نشان میکنند که در صورت موفقیت در کسب قدرت، تحمل تودم‌آپها را نخواهند کرد. آن عناصر ناآگاه از صفوف انقلاب که با همان کین و خصومت درباره حزب توده ایران به داور می‌نشینند و در عمل نشان داده‌اند که تحمل تودم‌آپها را ندارند، آیا هرگز یا خود اندیشیده‌اند که: چرا در این عرصه در کنار بدترین دشمنان انقلاب ایران جای گرفته‌اند!

دعها و بلکه صدها سالست که ما اسیر مظاهر «تمدن» سرمایه‌داری غرب و تسلیم بلاشروط در برابر آن هستیم. اکثر روشنفکران ما هر پدیده‌ای را با معیارهای همین «تمدن» می‌سنجند، در حالیکه این «تمدن» در اساس خود منحل است. روشنفکران ما بدون مبارزه‌ای شدید، که باید در سراسر جبهه انقلاب فرهنگی انجام گیرد، نمیتوانند خود را از قید اسارت فرهنگ سرمایه‌داری بره‌اند. این مبارزه را نباید های دولتی باید آغاز و پیگیرانه دنبال کنند، تا بتوانند روشنفکران ما را نه تنها از قید اسارت فرهنگی سرمایه‌داری، بلکه همچنین از نطفه افتادن در دام توطئه ضدانقلاب بره‌اند.

بی‌تردید در بین این گروه از روشنفکران نیز کسانی پیدا میشوند که بهیچ شرایطی مستقیم نخواهند شد و بلکه با شبکه‌های ضدانقلاب نیز

### تصحیح

در خبری که در نامه مردم، شماره ۳۰۹، مورخ ۲۶/۹/۵۹ تحت عنوان «جریان یک دادگاه» درج گردید، اشتباهاتی رخ داده است که به شرح زیر تصحیح میگردد:

۱- آقای فرامرزی نصیری، ساکن روستای زید علیا، کسازمند برق منطقه‌ای است.

۲- مالک روستا در ده زید علیا زندگی نمی‌کند.

همچنین آقای فرامرزی نصیری، مدتی بعد از جریان دادگاه، مجدداً به دادگاه احضار و مدت ۴۸ ساعت، به «جرم» تحریک روستائیان به تصرف عدوانی، بازداشت میشود. وی با قید ضمانت به مبلغ یک میلیون ریال آزاد شده است.

ساعت ۳ بعد از ظهر روز جمعه ۲۶/۹/۵۹ عده‌ای از افراد غیرمسئول و ضدانقلابی به دفتر حزب توده ایران در شیراز هجوم بردند و اسلحه و وسائل موجود در دفتر را غارت کردند.

حمله کنندگان، که پس از شکستن قفل وارد ساختمان شده بودند، تمام شیشه‌ها و درو پنجره را خرد کردند، و بالغ بر ۱۵ هزار تومان خسارت مالی وارد کردند و تمام میزوسندلی و دیگر وسائل موجود در دفتر را با چند وانت به مسجد «عظیمی» شیراز بردند.

### معیار پاکسازی

بقیه از صفحه ۱  
طریق اعمال زور و کنار گذاردن هر کس که در چرخوب مینوی فکر نمیکند و نمیتواند فکر بکند، چندان تبعیخیمی به بار خواهد آورد که اثراتش سالیان دراز باقی خواهد ماند. امثال زور منجر به پنهان کردن عقیده، دورویی و مبارزه مخفی می‌شود و اگر رژیم انقلابی با توده روشنفکران چنین برخوردی داشته باشد، راه را برای نفوذ ضدانقلاب در صفوف روشنفکران هموار میکند، توازن نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را بسود ضدانقلاب برهم می‌زند و چنین روشی جز یاری رساندن به ضدانقلاب نیست. بنابراین با توده روشنفکران چه باید کرد؟

آیت‌الله منتظری باین سؤال پاسخ میدهد و بسود انقلاب پاسخ میدهد:

روشنفکران، در هر جا که هستند، اگر علیه انقلاب توطئه نمی‌کنند، باید از آنها حداکثر استفاده را به عمل آورد.

این برخورد صحیح با روشنفکران نقطه مقابل طرز فکر کسانی است که میخواهند همین امروز همه را «مکتبی» کنند و چون هر کس نیز تفسیری از «مکتب» دارد، جریان پاکسازی نیز به «مکتب» مختلف تقسیم شده است.

زبان این پاکسازی، که میتواند ضریب جبران‌ناشدنی به سازندگی کشور بزند، قبل پیش‌بینی نیست. باید رهنمود آیت‌الله منتظری را، که موافقت امام نیز پشتوانه آنست، صد در صد پذیرفت و آنرا با دقت پیاده کرد، و اگر در جایی پاکسازی با این میر انجام گرفته است، در آن تجدیدنظر نمود.

در عین حال نظام انقلابی ما باید روشنفکران خدمتگزار خود را تربیت کند. یگانه شیوه ایجاد تحول در جهان‌بینی و تفکرسیاسی روشنفکران شیوه اقتناع است، که باید با صبر و حوصله، آنچه را که رژیم شاهنشاهی طی سالیان دراز در مغز آنان جای داده است، بیرون آورد و اندیشه‌های درست را بجای آن نشاند.

دعها و بلکه صدها سالست که ما اسیر مظاهر «تمدن» سرمایه‌داری غرب و تسلیم بلاشروط در برابر آن هستیم. اکثر روشنفکران ما هر پدیده‌ای را با معیارهای همین «تمدن» می‌سنجند، در حالیکه این «تمدن» در اساس خود منحل است. روشنفکران ما بدون مبارزه‌ای شدید، که باید در سراسر جبهه انقلاب فرهنگی انجام گیرد، نمیتوانند خود را از قید اسارت فرهنگ سرمایه‌داری بره‌اند. این مبارزه را نباید های دولتی باید آغاز و پیگیرانه دنبال کنند، تا بتوانند روشنفکران ما را نه تنها از قید اسارت فرهنگی سرمایه‌داری، بلکه همچنین از نطفه افتادن در دام توطئه ضدانقلاب بره‌اند.

بی‌تردید در بین این گروه از روشنفکران نیز کسانی پیدا میشوند که بهیچ شرایطی مستقیم نخواهند شد و بلکه با شبکه‌های ضدانقلاب نیز

### یکماه پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور، دفتر حزب توده ایران در شیراز مورد هجوم و تخریب قرار گرفت

### حمله عناصر غیرمسئول و ضدانقلابی به دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی همچنان ادامه دارد

ضدانقلابی می‌گذرد و طی این مدت سایر مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز این اعمال را محکوم کرده‌اند.

### کشف شبکه کودتای تیرماه در نیشابور

در ادامه کشف و دستگیری عوامل توطئه کودتای تیرماه، شبکه گسترده‌ای از کودتای نافرجام در نیشابور کشف شد. در پی کشف این شبکه، محمد جعفری، سرپرست شرکت تعاونی روستایی دهات ماسروس و خاتلق دستگیر و روانه زندان شد. در هنگام دستگیری جعفری، تعداد بیست‌و‌هفت اسلحه از خانه نامبرده بدست آمد. همسر جعفری، که قبلاً دستگیر شده بود و فعلاً آزاد شده است، اعتراف کرد که شوهرش ۷۰ قبضه اسلحه خریداری کرده و برای کودتاچیان به تهران فرستاده است. محمد جعفری چندبار به آمریکا سفر کرده بود. در ارتباط با محمدجعفری و توطئه کودتای نافرجام، یکی از آموزگاران

### بخش آزادانه مواد مخدر در روستاهای مراغه

از این کار کوتاهی میکنند. جادارده مقامات محلی درام، مبارزه با مواد مخدر، که در حال حاضر بطور ضربتی توسط حجت‌الاسلام‌خلخال و گروه ضربت انجام میگردد، اقدامات جدی بعمل آورند

### تاسر کوب قطعی...

بقیه از صفحه ۱  
بطوریکه اخیراً سیاستمداران و روزنامه‌نگاران مطلع نوشته‌اند، «ملت استراتژیک» (جزیره دیکو- کارسیا در اقیانوس هند، جزیره مسیره در سواحل عمان و بندربربره در کنار باب‌المندب)، که پنتاگون درست کرده و بانواع سلاح‌های تازه مجهز نموده است، بخشی از نقشه تجاوزکارانه «جهانی» امپریالیسم جهانخواه است، که اکنون در نوبت اول علیه جمهوری اسلامی ایران، سواحل جنوبی و منابع نفت‌خیز آن متوجه است.

و بالاخره درباره پاکستان باید گفت که در پی دیدار اخیر شیاه‌الحق (وصدام حسین) از ملک خالد و قرار اعزام یک لشکر از نیروهای مسلح پاکستان (درمقابل ۱ میلیارد دلار) به عربستان سعودی (که ۴۰۰ نفر آن هم اکنون وارد عربستان سعودی شده‌اند)، همدستی نظامی پاکستان با عربستان سعودی (و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده منطقه) در طرح کلی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران گسترش یافته است. از این منظره خارجی که بگذریم، امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، همه دستگاههای جهنمی خود را در واشنگتن و لندن و پاریس بکار انداخته، به تهیه زمینه یک

نشوند و از کشور خارج نگردند. بالاخره باستی منافق و مصالح‌گشور اسلامی ایران در نظر گرفته شود... نسبت به افرادی که وجودشان با ارزش است و اهل توطئه هم نیستند، باید ارفاق کرد و از وجودشان بفع کشور استفاده نمود. آیت‌الله منتظری میزان سنجش را در مورد برخورد با روشنفکران درست تعیین کرده‌اند: از روشنفکری که عقاید دیگری دارد، ولی توطئه نمیکند، باید استفاده کرد، و توطئه‌گر را، هر چند تخصصی

کرده‌اند، ولی هنوز هجوم عوامل ضدانقلابی و غیر مسئول به دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی، بونزه حزب توده ایران ادامه دارد. مقامات مسئول باید هرچه‌زودتر، بطور جدی جلوی اینگونه اعمال را، که تنها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بی‌اعتبار می‌کند و اعتبار حرمت مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را زیر سؤال قرار میدهد و در شرایط مشخص فعلی زمینه تحقق توطئه خطرناک آمریالیسم آمریکا را فراهم می‌سازد، بگیرند.

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود